

سفر و احکام آن در پرتو قرآن و سنت

تألیف :

دکتر سعید بن علی بن وهف القحطانی

مترجم :

علی صارمی

عنوان کتاب:

سفر و احکام آن در پرتو قرآن و سنت

عنوان اصلی:

صلاة المسافر في ضوء الكتاب والسنة

نویسنده:

دکتر سعید بن علی بن وهف القحطانی

مترجم:

علی صارمی

موضوع:

فقه عام

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۲.....	مقدمه مؤلف
۵.....	فصل اول: مفهوم سفر و مسافر
۶.....	فصل دوم: انواع سفر
۸.....	فصل سوم: آداب سفر، عمره و حج
	فصل چهارم: قرآن، سنت و اجماع علما بر قصر کردن نماز در سفر
۲۹.....	دلالت دارند
۳۲.....	فصل پنجم: کوتاه کردن نماز در سفر از تمام خواندن آن بهتر است
۳۶.....	فصل ششم: مسافت لازم برای قصر کردن نماز در سفر
	فصل هفتم: شخص مسافر اگر از تمام بناهای روستا یا شهرش
۴۳.....	بیرون آمد نمازش را قصر می‌کند
	فصل هشتم: مدت زمانی که مسافر می‌تواند در آن نمازش را قصر کند
۴۵.....	

- فصل نهم: کوتاه کردن نماز در منی برای همه حاجیان ۵۰
- فصل دهم: جایز بودن خواندن نماز سنت بر روی سواری در سفر ۵۳
- فصل یازدهم: سنت است نمازهای رواتب، غیر از نماز سنت صبح و نماز وتر، در سفر ترک شوند ۵۶
- فصل دوازدهم: نماز شخص مقیم، پشت سر شخص مسافر درست است ۶۰
- فصل سیزدهم: نماز مسافر، پشت سر شخص مقیم درست است ۶۲
- فصل چهاردهم: نیت قصر یا جمع آوردن نماز، هنگام آغاز نماز و پیوستگی بین دو نمازی که با هم جمع می‌شوند ۶۴
- فصل پانزدهم: رخصت‌ها و آسانی‌های موجود در سفر ۶۸
- فصل شانزدهم: جمع کردن نمازها، انواع و درجات آن ۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا
وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَ لَهُ وَمَنْ يَضِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، ...
اما بعد،

این جزوه‌ای مختصر دربارهٔ نماز مسافر است که در آن مسائلی از قبیل،
مفهوم سفر و مسافر، انواع سفر، آداب سفر، اصل، کوتاه کردن نماز در سفر
است، کوتاه کردن نماز در سفر بهتر از تمام خواندن آن است، مسافت کوتاه
کردن نماز در سفر، مسافر می‌تواند اگر از محدودهٔ شهر یا روستا خارج شد
نمازش را کوتاه کند، مدت زمانی که مسافر برای کوتاه کردن نماز باید
اقامت داشته باشد، کوتاه کردن نماز در منی برای اهل مکه و حاجیان سایر
مناطق دیگر، جایز بودن نماز سنت بر مرکب در سفر، در سفر سنت است
نمازهای رواتب به غیر از نماز سنت صبح و وتر، ترک شوند، حکم نماز مقیم
پشت سر مسافر و مسافر پشت سر مقیم، حکم نیت نماز قصر و جمع و پشت
سر هم خواندن آنها، رخصت‌های موجود در سفر، احکام جمع بین نمازها،

انواعشان، درجاتشان، حالات آنها در سفر یا هنگام اقامت را بیان کرده‌ام که در این راستا از بیانات، گزارشات و ترجیحات شیخ و استاد بزرگان امام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته - خداوند درجاتش را در بهشت بلند گرداند - استفاده فراوانی را برده‌ام.

از خداوند خواهان و خواستارم این عمل را با حالتی مبارک و خالصانه مورد قبول درگاهش قرار دهد، و به وسیله آن در دنیا و آخرت به من و به کلیه کسانی که به آن مراجعه می‌کنند، نفع رساند، زیرا خداوند بهترین درخواست‌شوندگان و گرامی‌ترین آرزوشوندگان است و او برای ما کافی و بهترین تکیه‌گاه است.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه ومن تبعهم

بإحسان إلی یوم الدین

سعید بن وهف القحطانی

شب شنبه ۱۴۲۱/۱۲/۲۹ هـ. ق

فصل اول: مفهوم سفر و مسافر

سفر جمع سافر و مسافرون جمع مسافر است و سفر و مسافرون دارای یک معنا هستند.

و مسافر، به خاطر برداشتن نقاب آرامش از صورتش، ترک مکان زندگی، گرفتن آرامش و راحتی از جانش و نمایش دادن وجودش در فضای باز، به مسافر نام گذاری شده است.

و سفر، بخاطر اینکه نقاب از چهره مسافران و اخلاقیات آنها بر می دارد و هر آنچه را که مخفی و پنهان است آشکار می کند، به سفر نام گذاری شده است^(۱). پس معلوم شد که سفر به خاطر بریدن و تمام کردن مسافت، به سفر نام گذاری شده، زیرا، از اخلاق مردمان پرده می کشد، و از جمله می تواند به این گفته اشاره کرد: «سفرت المرأة عن وجهها»: «زن نقاب را از صورتش برداشت» و این زمانی است که زن صورتش را آشکار می کند.

و سفر یعنی خارج شدن انسان از بناها و سازه های اقامتگاهش به قصد

۱- لسان العرب، ابن منظور (۳۶۸/۴). و گفته شده: سفر از نظر لغوی: سپری کردن مسافتی، و از لحاظ شرعی: خارج شدن با هدفی خاص و طی کردن مسیر سه شبانه روز یا بیشتر از آن باستر یا پای پیاده. تعریفات، جرجانی، ص (۱۵۷) و گفته شده: مسافر کسی است که قصد رفتن با پای پیاده به حالت متوسط به مدت سه شبانه روز را دارد و خانه اش را ترک کرده، تعریفات، جرجانی، ص ۲۶۶.

مکانی آنقدر دور که قصر کردن نماز آنجا درست باشد^(۱).

فصل دوم: انواع سفر

- ۱- سفر حرام: سفری است که شخص برای انجام کاری که خدا یا رسولش آن را حرام کرده‌اند، سفر می‌کند، مثل: کسی که برای تجارت مشروب، کارهای حرام و راهزنی سفر می‌کند، یا سفر کردن زن بدون همراه بودن محرم با او^(۲).
- ۲- سفر واجب: مثل: سفر برای انجام فریضه حج یا عمره واجب یا جهاد واجب.
- ۳- سفر مستحب: مثل: سفر برای عمره غیر واجب یا حج سنت یا جهاد سنت.
- ۴- سفر مباح: مثل: سفر برای تجارت چیزهای مباح و کلیه کارهای مباح.
- ۵- سفر مکروه: مثل: سفر کردن انسان بدون همراه داشتن رفیق در سفر، مگر آنکه ناچار باشد^(۳). چون پیامبر ﷺ فرموده: «اگر مردم در مورد تنهایی، آنچه را من می‌دانم بدانند، هیچ سواری در شب تنها نخواهد رفت»^(۴).

۱- معجم لغة الفقهاء، دکتر محمد رواس، ص (۲۱۹).

۲- المغنی، ابن قدامه مقدسی (۱۱۵/۳) و الشرح الممتع، ابن عثیمین رحمته (۴۹۲/۴).

۳- المغنی، ابن قدامه مقدسی (۱۱۴/۳-۱۱۷) و الشرح الممتع، ابن عثیمین رحمته (۴۹۱/۴-۴۹۲).

۴- صحیح بخاری (۲۹۹۸)، قسمتی از روایت ابن عمر رضی.

این تمام انواع سفرهایی بود که علما آن را بیان کرده‌اند، پس برای انسان مسلمان واجب است که به سفر حرام نرود و شایسته است که از سفر مکروه نیز دست بکشند، و تمام سفرهایش را در سفر واجب، مستحب و مباح خلاصه کند^(۱).

۱- علما در مورد نوع سفری که در رخصت‌های سفر مثل: قصر و جمع نمازها، شکستن روزه، مسح بر خفین و عمامه به مدت سه روز و خواندن نماز سنت بر شتر، به آن تعلق دارند، دچار اختلاف شده‌اند و هر کدام چیزی گفته‌اند:

(الف) گفته شده: رخصت‌های سفر، قصر و جمع نمازها و شکستن روزه مربوط به ماه رمضان و مسح بر خفین و عمامه و خواندن نماز سنت بر روی شتر مربوط به سفر واجب و سنت و مباح است. اما در سفر حرام و مکروه انجام این رخصت‌ها جایز نیستند.

(ب) گفته شده: قصر کردن نمازها فقط مربوط به سفر حج، عمره و جهاد است، چون واجب فقط برای واجب ترک می‌شود. اما در سفر مباح و حرام و مکروه قصر کردن نمازها جایز نیست.

(ج) گفته شده: فقط در سفرهایی که مفهوم عبادت در آنها باشد، نمازها قصر می‌شوند، چون پیامبر ﷺ فقط در سفر واجب یا سنت نمازهایش را قصر می‌کرد.

(د) امام ابوحنیفه، شیخ الإسلام ابن تیمیه و بسیاری از علما گفته‌اند که قصر نمازها حتی در سفر حرام نیز درست است.

شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌فرماید: (و دلایل در این باره قول کسی را تأیید می‌کنند که می‌گوید، قصر نمازها و شکستن روزه مربوط به مطلق سفر است و اختصاص به سفری خاص ندارد، بلکه شامل تمام حالات سفر است، و این سخن صحیح و درستی است، چون در قرآن و سنت نیز مطلق سفر بیان شده است). مجموع الفتاوی (۱۰۹/۲۴)، المغنی، ابن قدامه مقدسی (۱۱۵/۳-۱۱۷) و الإختیارات العلمیة من الإختیارات الفقھیة، شیخ الإسلام ابن تیمیه ص (۱۱۰) و الکافی، ابن قدامه (۴۴۷/۱) و الشرح الکبیر چاپ شده با المقنع (۳۰/۵) و الإنصاف، المرادی چاپ شده با الفتح و

فصل سوم: آداب سفر، عمره و حج

آدابی که برای مسافر و عمره کننده و حج کننده، شناخت و عمل به آنها شایسته است؛ برای اینکه به عمره‌ای قابل قبول دست یابد و در انجام حج و سفری مبارک موفق گردد، زیادند، از آن جمله: آداب واجب و آدابی که مستحب‌اند، و به عنوان مثال به مواردی اشاره می‌کنیم.

۱- در مورد وقت سفر، وسیله سفر، رفیق سفر، انتخاب مسیر، اگر مسیری زیاد بودند با خداوند طلب استخاره - طلب خیر کردن - کند و درباره این مورد با کسانی که آگاه و عالمند مشورت کند. اما سفر حج، سفر خیر است که هیچ شکی در آن نیست.

روش استخاره کردن: شخص دو رکعت نماز می‌خواند سپس در پایان نمازش دعای مأثوری که در این باب وجود دارد می‌خواند و سپس سلام می‌دهد^(۱).

۲- بر شخصی که حج یا عمره را انجام می‌دهد واجب است فقط به خاطر خدا و نزدیکی به او این اعمال را انجام دهد، و از انجام آنها به خاطر اهداف دنیایی، خودبینی، کسب لقب، ریا و شهرت بپرهیزد، چون اینها سبب باطل شدن عمل و عدم قبول آن می‌شود. خداوند پاک و منزّه می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢١٦﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿٢١٧﴾﴾ [الأَنْعَام: ۱۶۲-۱۶۳].

«همانا نماز، عبادات، طاعات و مناسکم و بالاخره زندگی و مرگم برای

الشرح الكبير (۳۴/۵) و الشرح الممتع، ابن عثيمين (۴۹۳/۴) و الفتاوى، ابن عثيمين (۲۶۰/۱۵-۲۷۴-۲۸۱).

۱- باب الإستخاره در صحيح بخارى (۱۶۲/۷) و حصن المسلم، سعيد القحطاني، ص (۴۵).

خداست و بس که پروردگار جهانیان است. هیچ شریکی ندارد و به همین امر، دستور داده شده‌ام، و از جمله اولین مسلمانانم».

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۗ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰].

«بگو بشری مثل شما هستم فقط به‌سوی من وحی فرستاده شده که خدای شما فقط خدای واحد و یکتاست، پس هر کس امید به دیدار پروردگار را دارد، باید کار شایسته انجام دهد و باید در عبادت و پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد».

و انسان مسلمان نیز چنین است و فقط خاطر خدا و سرای آخرت - بهشت - مورد نظرش می‌باشد.

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَدْمُومًا مَّدْحُورًا﴾ [الإسراء: ۱۸].

«کسی که فقط زندگی دنیایی را می‌خواهد، آنقدر که بخواهیم و برای هر کسی که بخواهیم، به زودی به او می‌دهیم، و سپس او را در حالی به جهنم می‌اندازیم که نکوهش شده و رانده شده است».

و در حدیث قدسی آمده است^(۱): «من بی‌نیازترین شریکان از شریک هستم، هر کس عملی انجام دهد و در آن غیر من را با من شریک گرداند او و شرکی را که کرده ول می‌کنم».

و پیامبر ﷺ نسبت به امتش از دچار شدن به شرک اصغر بیم داشته^(۲):

۱- صحیح مسلم (۲۹۸۵).

۲- مسند امام احمد (۴۲۸/۵)، و شیخ البانی آن را در صحیح الجامع الصغیر (۴۵/۲) حسن دانسته است.

(بیشترین چیزی که من را به نگرانی می‌اندازد، دچار شدن شما به شرک اصغر - ریاء - است). و باز فرموده: «هر کس کاری را انجام دهد تا مردم از آن باخبر باشند - و او را تعریف کنند - خداوند او را در حضور عام رسوا و مفتضح می‌نماید. و کسی که برای ریا و تعریف کاری کند خداوند نیت باطلش را آشکار می‌سازد و بی‌آبرو خواهد شد»^(۱).

و خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۱۵].

«و امر نشدند مگر به اینکه خداوند را بپرستند و عبادت را برای او خالص گردانند، و پاک و حق طلب باشند و نماز برپا کنند و زکات دهند و این دین راست و استوار است».

۳- بر شخصی که حج یا عمره می‌کند، آگاهی یافتن نسبت به احکام حج و عمره و احکام سفر، قبل از این که سفرش را آغاز کند، لازم است، آگاهی نسبت به مسائلی از قبیل: قصر و جمع نمازها، احکام تیمم، مسح بر خفها، و مسائلی از این قبیل که در راه انجام مراسم و آیین‌های حج و عمره نیازمند آن است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر خداوند نظر خیر و صلاح به کسی داشته باشد او را نسبت به مسائل دینی آگاه و عالم می‌کند»^(۲).

۴- توبه کردن از تمامی گناهان و لغزش‌ها، فرقی نمی‌کند که شخص حج‌گذار، عمره‌گذار و یا غیره باشد، و بر همه آنها توبه از گناهان و لغزش‌ها واجب است،

۱- متفق علیه، صحیح بخاری (۶۴۹۹) و صحیح مسلم (۲۹۸۷).

۲- صحیح بخاری (۷۱).

و حقیقت توبه شامل موارد زیر است: جدا شدن از تمامی گناهان و ترک آنها، پشیمانی نسبت به گناهی که در گذشته انجام داده، اراده عدم بازگشت به سوی آنها، و اگر حقوقی - مالی، ناموسی، معنوی و غیره - از مردم به گردن داشت، آنها را برگرداند حلالیت طلب کند قبل از اینکه از حسناش کم شود و به حساب برادرش نوشته و یا اگر حسنه‌ای نداشت از گناهان برادرش برداشته شود و به حساب او نوشته شود^(۱).

۵- بر شخص حج گذار یا عمره گذار لازم است که مالی حلال را برای حج یا عمره‌اش برگزیند، چون که خداوند پاک است و فقط پاک را قبول می‌کند. و مال حرام مانع اجابت و قبول شدن دعای انسان می‌شود^(۲)، و هر گوشتی که از مال حرام بوجود آمده باشد آتش جهنم به آن سزاوارتر است^(۳).

۶- مستحب است که انسان مسافر قبل از سفرش وصیت و حقوقی را که مردم بر او دارند، بنویسد، چون اجل به دست خداوند متعال است:

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۳۴].

«علم قیامت نزد خداوند است و باران را فرومی‌فرستد و آنچه را که در رحم‌هاست می‌داند و هیچ نفسی نمی‌داند که فردا چه چیزی برایش اتفاق

۱- سوره‌ی نور آیه‌ی ۳۱. صحیح بخاری (۶۵۳۴-۶۵۳۵).

۲- صحیح مسلم (۱۰۱۵).

۳- الحلیة، ابونعیم (۳/۱)، امام احمد در کتاب الزهد مفهوم آن را آورده، ص (۱۶۴) و در مسندش (۳۲۱/۳)، دارمی (۲۲۹/۲) و غیر آنها و شیخ البانی در صحیح الجامع الصغیر (۱۷۲/۴) آن را صحیح دانسته، فتح‌الباری (۱۱۳/۳).

می‌افتد، و هیچ نفسی نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد، حقیقتاً خداوند عالم و آگاه است».

و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر انسان مسلمانی که مال و ثروت با ارزشی داشته باشد که بشود نسبت به آن وصیت نماید نباید بیشتر از دو شب سپری شود، مگر اینکه وصیتنامه خود را نوشته باشد»^(۱). و باید بر وصیتنامه‌اش شاهد بگیرد، قرض‌هایی که بر عهده‌اش است، ادا کند، و امانات را به صاحبان‌شان برگرداند و یا برای نگهداری‌شان از صاحبان‌شان اجازه بگیرد.

۷- مستحب است مسافر قبل از رفتن به سفر خانواده‌اش را توصیه به رعایت تقوای الهی نماید، و توصیه به تقوا، توصیه‌ای از طرف خداوند برای تمامی انسان است:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ تَكْفُرًا فِئَانَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿۱۳۱﴾ [النساء: ۱۳۱].

«و به کسانی که قبل از شما به آنها کتاب داده شده بود و همچنین به شما توصیه کردیم که از نافرمانی خدا بپرهیزید و اگر کافر شوید - زیان به خدا نمی‌رسد - زیرا آنچه که در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و خداوند بی‌نیاز و ستوده است».

۸- مستحب است که شخص مسافر در انتخاب دوستی صالح برای همراهی در سفرش کوشش کند، و حریص باشد بر اینکه آن رفیقش جزو طلاب علوم شرعی باشد؛ چون این موضوع سبب موفقیتش و عدم دچار شدن در خطا و اشتباه در سفر، حج و عمره‌اش می‌شود.

۱- متفق علیه، صحیح بخاری (۲۷۳۸) و صحیح مسلم (۱۶۲۷).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «انسان بر دین دوستش است، پس هر یک از شما بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند»^(۱) و (فقط با انسان مؤمن دوستی و همنشینی کن و فقط انسان متقی و خداترس غذایت را بخورند)^(۲).

و پیامبر ﷺ رفیق خوب را به کسی که مشک را حمل می‌کند و رفیق بد را به کسی که کورهٔ آتش را می‌دهد، تشبیه کرده است^(۳).

۹- مستحب است مسافر با خانواده، نزدیکان، اهل علم، همسایه‌ها و یارانش خداحافظی کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که می‌خواهد به سفر رود به کسی که جانشین خودش می‌کند بگوید: «أستودعکم الله الذی لا تضیع و دأعه» «شما را نزد خدا به امانت می‌گذارم، خدایی که اماناتش را از بین نمی‌برد»^(۴).

پیامبر ﷺ هرگاه یکی از اصحابش می‌خواست سفر کند، با او خداحافظی می‌کرد، و می‌گفت: «أستودع الله دینک وأمانتک و خواتکم عملک» «دین و امانت و سرانجام اعمالت را نزد خداوند به امانت گذار»^(۵). و به هر یک از مسافران که از پیامبر ﷺ می‌خواست او را نصیحت کند،

۱- ابوداود (۴۸۳۳) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (۱۸۸/۳) آن را صحیح دانسته است.

۲- ابوداود (۴۸۳۲)، ترمذی (۲۳۹۵) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (۴۸۳۲) و صحیح ترمذی (۲۵۱۹) آن را حسن دانسته است.

۳- متفق علیه، صحیح بخاری (۵۵۳۴)، صحیح مسلم (۲۶۲۸).

۴- مسند احمد (۴۰۳/۲)، سنن ابن ماجه (۲۸۲۵) و شیخ البانی در سلسله الأحادیث الصحیحة (۱۶-۲۵۴۷) و صحیح سنن ابن ماجه (۱۳۳/۲) آن را صحیح دانسته است.

۵- سنن ابن داود (۲۶۰۰) و سنن ترمذی (۳۴۴۲) و شیخ البانی در صحیح ترمذی (۱۵۵/۳) آن را صحیح دانسته است.

می فرمود: «زودك الله التقوى وغفر ذنبك ويسر لك الخير حيث ما كنت»^(۱) «خداوند تو را به توشه تقوی مجهز کند و گناهانت را بیامزد و در هر کجایی که هستی توفیق خیرت دهد». و مردی که عزم سفر داشت نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ مرا وصیتی کن، پیامبر ﷺ فرمود: «تو را به رعایت تقوای الهی و تکبیر گفتن هر زمان که از بلندی ای بالا رفتی، توصیه می کنم» وقتی که آن مرد رفت، پیامبر ﷺ فرمود: «پروردگارا زمین را برایش مسطح و نزدیک گردان و سفر را بر او آسان کن»^(۲).

۱۰- مستحب است مسافر اول صبح روز پنجشنبه برای سفر خارج شود، چون پیامبر ﷺ اینگونه عمل کرده. کعب بن مالک رضی الله عنه می گوید: (خیلی کم پیش می آمد که رسول خدا ﷺ جز روز پنجشنبه برای سفر کردن بیرون روند)^(۳).

و برای امتش دعای برکت در اول روز را می کرد، و می فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بَكُورِهَا» «پروردگارا به صبحگاهان امتم برکت ده»^(۴).

۱- ترمذی (۳۴۴۴) و شیخ البانی در صحیح ترمذی (۴۱۹/۳) آن را حسن صحیح دانسته است.

۲- ترمذی (۳۴۴۵)، ابن ماجه (۲۷۷۱)، احمد، حاکم، شیخ البانی در صحیح ترمذی (۱۵۶/۳) و صحیح ابن ماجه (۱۲۴/۲) و صحیح ابن خزیمه (۱۴۹/۴) آن را حسن دانسته است.

۳- صحیح بخاری (۲۹۴۸).

۴- ابوداود (۲۶۰۶) و ترمذی (۱۲۱۲)، ابن ماجه (۲۲۳۶)، مسند احمد (۱۵۴/۱) (۴۱۶/۳)، ابوعیسی می گوید: حدیث حسن است و شیخ البانی در صحیح ابوداود (۴۹۴/۲) و صحیح ترمذی (۸-۷/۲) آن را صحیح دانسته است.

۱۱- مستحب است مسافر هنگام خارج شدن از منزلش، دعای خروج را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ» «بنام خداوند، بر خدا توکل می‌کنم هیچ تلاش و کوششی بدون اذن خداوند وجود ندارد»^(۱). پروردگارا، به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، به خطا بیاندازم یا به خطا انداخته شوم، ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم، نادان و احمق پندارم یا احمق پنداشته شوم»^(۲).

۱۲- مستحب است مسافر هنگامی که سوار حیوان یا ماشین یا هواپیما یا وسائل نقلیه دیگری شد، دعای سفر را بخواند و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» «خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است». سپس ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿۱۳﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾﴾ [الزخرف: ۱۳-۱۴]. «پاک و منزه است خدایی که اینها را برایمان رام گردانده در حالی که ما توانایی رام کردن آنها را نداشتیم، و حقیقتاً ما به‌سوی پروردگاران بازمی‌گردیم».

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَىٰ وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَىٰ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرِنَا هَذَا وَاطْوِعْنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكِبَابَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ: فِي

۱- ابوداود (۵۰۵۹)، ترمذی (۳۴۲۶) و گفته: این حدیث حسن صحیح غریب است، و شیخ البانی در صحیح ترمذی (۴۱۰/۳) و صحیح ابوداود (۹۵۹/۳) آن را صحیح دانسته است.

۲- ابوداود (۵۰۹۴)، ترمذی (۳۴۲۷)، نسائی (۵۵۳۶)، ابن ماجه (۳۸۸۴)، ترمذی می‌گوید: این حدیث، حسن صحیح است، و شیخ البانی در صحیح ابوداود (۹۵۹/۳) و صحیح ترمذی (۴۱۰/۳-۴۱۱) آن را صحیح دانسته است.

المال والأهل...». «پروردگارا ما در این سفرمان از تو نیکوکاری و تقوی و عملی را که می‌پسندی طلب می‌کنیم. پروردگارا این سفرمان را بر ما آسان کن و دوریش را بر ما کوتاه ساز، پروردگارا تو در سفر همراه و در خانواده سرپرستی، پروردگارا ما از سختی سفر و منظره غم‌انگیز و بدی نظر بد در مال و خانواده و فرزند به تو پناه می‌جوییم» و چون از سفرش بازگشت آنها را باز بگوید و اینها را بیفزاید: «آیون، تائبون، عابدون، لربنا حامدون» «ما بازگشتیم در حالی که توبه‌کاران، پرستندگان و برای خدایمان سجده‌کننده‌گانیم»^(۱).

۱۳- مستحب است انسان به تنهایی و بدون رفیق و همراه مسافرت نکند: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر انسان در مورد تنهایی آنچه که می‌دانم، بدانند، هیچ سواره‌ای در شب تنها نخواهد رفت»^(۲) و باز می‌فرماید: «یک سوار، شیطان است، دو سوار دو شیطانند و سه نفر جماعت به شمار می‌روند»^(۳).

۱۴- مسافران از میان خودشان، برای اینکه اجتماعشان محکمتر، توافقشان میسرتر و در نایل شدن به هدفشان موفق‌تر باشند یک نفر را امیر کنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هرگاه سه نفر به سفری رفتند، یک نفر را بر خود امیر سازند»^(۴).

۱- مسلم (۱۳۴۲).

۲- بخاری (۲۹۹۸).

۳- ابوداود (۲۶۰۷)، ترمذی (۱۶۷۴) و گفته: حدیث حسن صحیح است، مسند احمد (۲/۱۸۶-۲۱۴)، حاکم در مستدرک (۱۰۲/۲) و گفته سندش صحیح است و ذهبی هم آن را تأیید کرده، شیخ البانی در سلسله الأحادیث الصحیحة (۶۲) و صحیح ترمذی (۲/۲۴۵) آن را صحیح دانسته است.

۴- ابوداود (۲۶۰۸-۲۶۰۹) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (۲/۴۹۴-۴۹۵) آن را حسن دانسته است.

۱۵- مستحب است اگر مسافران در مکانی اطراق کردن کنار همدیگر جمع شوند. بعضی از یاران پیامبر ﷺ هر گاه در جایی اطراق می‌کردند در دشت‌ها و دره‌ها پراکنده می‌شدند تا اینکه پیامبر ﷺ فرمودند: «این پراکندگی‌تان در این دشت‌ها و دره‌ها کار شیطان است»^(۱) بعد از آن همگی در یک جا جمع می‌شدند و اگر لباسی را بر روی آنها می‌انداختی همه آنها را می‌پوشاند.

۱۶- مستحب است انسان اگر در سفر یا غیر آن، در مکانی اطراق کرد، این دعایی را که از پیامبر ﷺ ثابت است بخواند: «أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق» «پناه می‌جویم به کلمات تامة خدا از شر آنچه آفریده است» اگر این دعا را خواند، چیزی به او ضرری نمی‌رساند تا از آن مکان کوچ می‌کند.^(۲)

۱۷- مستحب است مسافر چون از تپه‌ها و امثال آن بالا رفت تکبیر گوید و چون به دره‌ها و امثال آن فرود آید، تسبیح گوید، جابر رضی الله عنه می‌گوید: «چون از بلندی‌ها بالا می‌رفتیم تکبیر و چون به پایین می‌آمدیم تسبیح می‌گفتم»^(۳). و صدای‌شان را به تکبیر بلند نکنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای مردم آرام و خوددار باشید، شما کسی را صدا نمی‌کنید که از شما دور باشد، بلکه کسی را دعا می‌کنید که با شماست، می‌شنوند و به شما نزدیک است»^(۴).

۱- ابوداود (۲۶۲۸) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (۱۳۰/۲) آن را صحیح دانسته است.

۲- مسلم (۲۷۰۹).

۳- بخاری (۲۹۹۳).

۴- بخاری (۲۹۹۲)، مسلم (۲۷۰۴).

۱۸- مستحب است مسافر اگر روستا یا شهری را دید، دعای داخل شدن در آن را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلَنَ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلَنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَلَنَ وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرِينِ، أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا» «پروردگارا، خالق آسمان‌های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده‌اند، و خالق زمین‌های هفتگانه و آنچه که حمل می‌کنند، و خالق شیاطین و آنچه که گمراه می‌کنند، و خالق بادها و آنچه که منتشر می‌کنند، خیر این روستا و خیر ساکنانش و خیر آنچه در آن است را از تو خواهانم، و از شر این روستا و شر ساکنانش و شر آنچه در آن است به تو پناه می‌برم»^(۱).

۱۹- مستحب است مسافر در شب خصوصاً اول شب - به سفرش ادامه دهد. بخاطر فرمودهٔ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «بر شما باد که در شب بروید، زیرا زمین در شب پیچیده می‌شود»^(۲). یعنی مسافت در شب زودتر طی می‌شود، بدون آنکه شخص احساس خستگی زیاد نماید.

۱- نسائی (۵۴۴) و عمل الیوم و الیلة، ابن السنی (۵۲۴)، ابن حبان (۲۳۷۷)، صحیح ابن خزیمه (۲۵۶۵)، مستدرک حاکم (۴۴۶/۱-۱۰۰/۲) و گفته: صحیح است و ذهبی هم آن را تأیید کرده و حافظ ابن حجر عسقلانی آن را حسن دانسته و هیثمی در مجمع الزوائد (۱۳۷/۱۰) می‌گوید. طبرانی در اوسط با سند حسن آن را روایت کرده. شیخ ابن باز رحمته الله در «تحفة الأخیار» می‌گوید: نسائی ص (۳۷) با سند حسن آن را روایت کرده است.

۲- ابوداود (۲۵۷۱)، مستدرک حاکم (۴۴۵/۱) و گفته: بر شرط شیخین صحیح است و ذهبی آن را تأیید کرده، سنن کبری، بیهقی (۲۵۶/۵) و شیخ البانی در «سلسله الأحادیث الصحیحة» (۶۸۱) و صحیح سنن ابوداود (۴۶۹/۲) آن را صحیح دانسته است.

۲۰- مستحب است مسافر سحرگاهان، هنگامی که فجر صادق طلوع می‌کند این دعا را بگوید: «سَمَّعَ سَامِعَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحَسَنَ بِلَاءِهِ عَلَيْنَا، رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلَ عَلَيْنَا عَائِذًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ» «شاهدی، بر حمد و ستایش ما برای خدا و بر نعمت و حسن عاقبتش در حق ما شهادت دهد، پروردگارا ما را در پناه خود قرار بده و حفظ بفرما، و نعمت فراوانت را بر ما ارزانی دار و هر نوع سختی و ناراحتی را از ما بازدار و این سخنان را در حالی که از آتش جهنم به خداوند پناه می‌برم، بر زبان می‌آورم»^۱.

۲۱- مستحب است مسافر در سفر زیاد دعا کند، زیرا او شایسته‌تر است به اینکه دعایش قبول کرده شود و خواسته‌اش برآورده شود، بخاطر این فرموده پیامبر ﷺ: «سه دعا بدون شک قبول می‌شوند: دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزندش»^۲.

و بر شخص حج‌گذار نیز لازم است که زیاد دعا کند، خصوصاً روی صفا و مروه، در عرفات، در المشعرالحرام بعد از فجر صادق، بعد از رمی جمرات صغری و وسطی در ایام التشریق، چون پیامبر ﷺ در این شش مکان در حالی که دستانش را بلند می‌کرد زیاد دعا می‌کرد^۳.

۲۲- شخص مسافر باید بر حسب علم و توانایش امر به معروف و نهی از منکر کند، و لازم است که این کار را از روی علم و آگاهی و با نرمی و آرامش و گفتار لطیف انجام دهد، و بدون شک نسبت به کسی که نهی از منکر نمی‌کند، احساس نگرانی می‌شود از اینکه خداوند ﷻ

۱- مسلم (۲۷۱۸).

۲- ابوداود (۱۵۳۶) و ترمذی (۱۹۰۵) و ابن ماجه (۳۸۶۲) و احمد (۲۵۸/۳) و شیخ البانی در صحیح ترمذی (۳۴۴/۴) آن را حسن دانسته است.

۳- زاد المعاد، ابن القیم (۲۲۷/۲-۲۸۶).

دعایش را قبول نکند.

بخاطر این فرموده پیامبر ﷺ: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، یا به کارهای پسندیده امر می‌کنید و از کارهای ناپسند بازمی‌دارید، یا نزدیک است که خداوند غذایی را بر شما از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند»^۱.

۲۳- شخص مسافر از تمامی گناهان دور شود، هیچ کس را با زبان یا دستش اذیت نکند، مزاحمتی را که باعث اذیت حاجیان و عمره‌کنندگان شود، بر ایشان بوجود نیاورد، میان مردم سخن چینی نکنید، و در غیبت مردم نیافتد، با دوستان و همراهان و سایر مردم فقط با شیوه‌ای پسندیده گفتگو کند، دروغ نگوید، و در مورد خداوند از روی جهالت صحبت نکند و سایر گناهان دیگر را نیز انجام ندهد.

خداوند می‌فرماید:

﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های مشخصی انجام می‌شود، کسانی که با احرام بستن حج را بر خودشان واجب گردانده‌اند، باید بدانند که در هنگام حج جماع کردن، گناه کردن و جنگ و جدال کردن، وجود ندارد».

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۵۸].

«و آنان که مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون هیچ دلیلی می‌رنجانند، حقیقتاً بهتان و گناهی آشکارا متحمل شدند».

۱- ترمذی (۲۱۶۹)، ابن ماجه، احمد (۳۸۸/۵) و ترمذی آن را حسن دانسته و شیخ البانی در صحیح ترمذی (۴۶۰/۲) آن را صحیح دانسته است.

و انجام گناه در حرم مکی مثل انجام آن در سایر نقاط نیست. خداوند پاک و منزه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَلَفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِن عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

«حقیقتاً کسانی که کافر شدند و ایمانداران را از راه خدا و مسجد الحرامی که آن را برای ساکنان آن و کسانی که از خارج آن می‌آیند، یکسان قرار دادیم، باز می‌دارند و همچنین کسانی که بخواهند در آن از راه حق منحرف شوند و شروع به ظلم و ستم کنند، ما عذابی دردناک را به آنها می‌چشانیم».

۲۴- شخص مسافر بر تمامی واجبات مواظبت داشته باشد، که از مهمترین آنها نماز اول وقت و همراه جماعت است. و در عبادات کوشا باشد، مثل: قرائت قرآن، ذکر، دعا، با سخن یا عملی، نسبت به مردم نیکی کند، مهربانی با آنها و یاری رساندن به مردم در برآورده کردن نیازهایشان. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مثل مؤمنان در علاقمندی، رحم و همکاری با هم مانند جسدی هستند که اگر عضوی از اعضای آن درد کند سایر اعضای جسد، در ناراحتی و تب قرار می‌گیرند»^(۱).

۲۵- شخص مسافر به اخلاق نیک و پسندیده آراسته شود، و با مردم نیز با همین اخلاق نیک مراوده داشته باشد، و اخلاق پسندیده شامل: صبر، گذشت، نرمی، مهربانی، بردباری، آرام بودن و عجله نداشتن در امورات، فروتنی، جوانمردی، بخشش، عدالت، پایداری، رحمت،

۱- متفق علیه، بخاری (۶۰۱۱)، و مسلم (۲۵۸۶).

امانتداری، خلوت گزیدن، پرهیزگاری، بخشودگی، وفای به عهد، حیا داشتن، راستی، دینداری، خیراندیشی، پاکدامنی، سرزندگی و انسانیت است. بخاطر بزرگی اخلاق نیکو پیامبر ﷺ فرموده: «کامل‌ترین مؤمن از لحاظ ایمان، با اخلاق‌ترینشان است»^(۱). «انسان مؤمن به سبب اخلاق پسندیده‌اش، پاداش انسان روزه‌گیر و شب‌زنده‌دار را می‌گیرد»^(۲).

۲۶- شخص مسافر انسان‌های ضعیف و رفیقانش را در سفر با جان، مال و مقامش یاری دهد، و با مال‌های اضافیش و سایر دارائی‌هایش آنها را در آنچه که به آن نیازمندند، کمک کنند. از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که آنها در سفری با رسول خدا ﷺ بودند، که پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که سواری اضافه بر نیازش داشته باشد، باید با کسی که سواری ندارد همکاری نموده و او را به پشت سرش سوار نماید، و کسی که توشه اضافه بر نیازش داشته باشد باید به کسی دهد که توشه ندارد» و از انواع مال آنچه را که یافت ذکر نمود، تا اینکه گمان کردیم برای هیچ یک از ما حقی در زیادتی نیست»^(۳).

۱- ابوداود (۴۶۸۲)، ترمذی (۱۱۶۲) و گفته حدیث حسن صحیح است، مسند احمد (۲۵۰/۲-۴۷۲)، مستدرک حاکم (۳/۱) و گفته: حدیث بر شرط مسلم صحیح است و ذهبی هم آن را تأیید کرده و شیخ البانی در سلسلة الأحادیث الصحیحة (۲۸۴) و صحیح ترمذی (۵۹۴/۱) آن را صحیح دانسته است.

۲- ابوداود (۴۷۹۸) و شیخ البانی در صحیح ابوداود (۹۱۱/۳) و صحیح الجامع الصغیر (۱۹۳۲) آن را صحیح دانسته است.

۳- مسلم (۱۷۲۸).

و از جابر رضی الله عنه روایت است که «پیامبر صلی الله علیه و آله در راه خود را به آخر می کشید و به این ترتیب ناتوان و درمانده را رانده و^(۱) یا یک نفر را پشت سرش سوار نموده و برایش دعا می نمود»^(۲). و این دلالت بر مهربانی و حریص بودن پیامبر صلی الله علیه و آله بر مصالح یارانش دارد، برای اینکه همگی مسلمانان و خصوصاً مسئولان مملکتی به او اقتدا کنند.

۲۷- شخص مسافر در بازگشت به خانه اش عجله داشته باشد و سفرش را بدون دلیل زیاد طولانی نکند. بخاطر فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله: «سفر پاره ای از سختی و ناراحتی است، نان و آب و خواب را از انسان به دور می سازد، هر گاه مسافر کاری را که به خاطر آن سفر کرده انجام داد، باید با عجله به سوی خانواده اش برگردد»^(۳).

۲۸- مستحب است که شخص مسافر در هنگام بازگشت از سفرش آنچه را که از پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت شده، بگوید. پیامبر صلی الله علیه و آله اگر از جنگی یا حجی یا عمره ای برمی گشت، به هر مکان بلندی از زمین که می رسید سه بار تکبیر می زد سپس می گفت: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد وهو علی کل شیء قدير، آیون، تائبون، عابدون، ساجدون لرَبنا حامدون، صدق الله وعده، ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده» «هیچ معبود به حقی جز ذات الله که

۱- یزجی الضعیف: او را می راند و به دنبال خودش می کشاند تا به رفیقانش برسد. النهایة فی غریب الحدیث، ابن اثیر (۲/۲۹۷).

۲- ابوداود (۲۶۳۹)، مستدرک حاکم (۱۱۵/۲) و گفته: حدیث بر شرط مسلم صحیح است و ذهبی هم آن را تأیید کرده، و شیخ البانی در صحیح ابوداود (۲/۵۰۰) و سلسله الأحادیث الصحیحه (۲۱۲۰) آن را صحیح دانسته است.

۳- بخاری (۱۸۰۴)، مسلم (۱۹۲۷). النهمه: حاجت، نیاز، کار.

بی‌همتاست وجود ندارد، ملک تنها از آن اوست، و سپاس و ستایش خاص اوست، و او بر همه اشیاء تواناست، ما به‌سوی خدا برمی‌گردیم و در پیشگاهش توبه می‌کنیم و پروردگار خود را عبادت و ستایش می‌نماییم، خداوند وعده خود را تحقق بخشیده و بنده خود را یاری داده است، و تنها اوست گروه‌هایی را که علیه اسلام جمع شده بودند شکست داد»^(۱).

۲۹- مستحب است شخص مسافر اگر روستا یا شهرش را دید، بگوید: «آیین، تائبون، عابدون، لربنا حامدون» «ما بازگشتیم در حالی که توبه‌کاران، پرستندگان و برای خدایمان سجده‌کننده‌ایم». و این جمله را تکرار کند تا داخل شهرش می‌شود؛ چون پیامبر ﷺ این کار را انجام داده است^(۲).

۳۰- شخص مسافر اگر سفرش طولانی شده، بدون دلیل در شب وارد خانه‌اش نشود، مگر آنکه به آنها قبلاً خبر داده و آنها را از ساعت ورودش آگاه کرده باشد. چون پیامبر ﷺ از این کار نهی کرده.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «پیامبر ﷺ از اینکه مرد در شب وارد خانه‌اش شود، نهی کرده است»^(۳). و حکمت این مسئله را روایت بعدی بیان کرده است: «تا زن‌هایی که موهایشان ژولیده است بتوانند آن را شانه کنند و آنهایی که نیاز به نظافت و حمام و از بین بردن موهای اضافی دارند خودشان را تمیز نمایند». و در روایتی دیگر آمده: «پیامبر ﷺ نهی کرده از

۱- بخاری (۱۷۹۷)، مسلم (۱۳۴۴).

۲- مسلم (۱۳۴۲).

۳- لایطرق أهله: در شب بر آنها داخل نشود اگر از سفر برگشت. بخاری (۱۸۰۱)، مسلم (۱۹۲۸، ۱۸۴).

اینکه مرد در شب وارد خانه‌اش شود، تا عیب‌هایشان را برملا سازد و دنبال لغزش‌ها و اشتباهاتشان باشد که آیا خیانت می‌کنند یا نه»^(۱).

۳۱- مستحب است شخص مسافر وقتی از راه می‌رسد، به مسجدی که نزدیک خانه‌اش است برود و در آنجا دو رکعت نماز بخواند، بخاطر عمل پیامبر ﷺ «پیامبر ﷺ هنگامی که از سفر برمی‌گشت از مسجد شروع نموده و در آن دو رکعت نماز می‌گذارد»^(۲).

۳۲- مستحب است شخص مسافر وقتی از راه می‌رسد با کودکان خانواده‌اش یا همسایه‌هایش اگر به استقبال او آمدند مهربانی کند و روی خوش به آنها نشان دهد.

از ابی‌عباس رضی الله عنه روایت است که: «وقتی پیامبر ﷺ به مکه رسید، تنی چند از خردسالان بنی‌عبدالمطلب به استقبال او آمدند، و پیامبر ﷺ یکی را در جلو و دیگری را پیش سر خود سوار می‌کرد»^(۳).

عبدالله بن جعفر رضی الله عنه می‌گوید: «وقتی که از سفر برمی‌گشت، به ما برمی‌خورد، به من و حسن و حسین برمی‌خورد و یکی از ما را در آغوشش و دیگری را بر پشتش حمل می‌کرد تا وارد مدینه می‌شدیم»^(۴).

۳۳- مستحب است شخص مسافر وقتی از سفر برمی‌گردد به دیگران هدیه دهد، برای اینکه از هدیه دادن، پاک شدن دل‌ها و از بین رفتن کینه‌ها، حاصل می‌شود. و مستحب است هدیه قبول کرده شود و به آن جواب داده شود، و برگشت دادن هدیه بدون عذر

۱- مسلم (۱۹۲۸، ۱۸۴).

۲- بخاری (۴۴۳)، مسلم (۷۱۶).

۳- بخاری (۱۷۹۸)، (۵۹۶۵).

۴- مسلم (۲۴۲۸، ۶۷)، ابوداود (۲۵۶۶)، ابن ماجه (۳۷۷۳)، فتح الباری (۳۹۶/۱۰).

شرعی مکروه است. و به همین دلیل است که پیامبر ﷺ فرموده: «به همدیگر هدیه دهید، تا همدیگر را دوست بدانید»^(۱). و هدیه یک از اسباب ایجاد محبت و دوستی در میان مسلمانان است. و به همین خاطر بعضی‌ها گفته‌اند:

هدایا الناس بعضهم لبعض تولد في قلوبهم الوصال^(۲)

هدیه دادن مردم به همدیگر وصلت و نزدیکی را در دل‌هایشان ایجاد می‌کند.

از زیباترین هدیه‌ها، آب زمزم است؛ زیرا آبی پربرکت است. پیامبر ﷺ دربارهٔ آب زمزم می‌فرماید: «آن، آبی مبارک است، و کسی که آن را می‌نوشد سیراب می‌شود، و شفا دهندهٔ بیماری است»^(۳).

از جابر رضی الله عنه روایت است که: «آب زمزم بر هر نیتی که نوشیده شود تأثیر می‌کند»^(۴). و گفته شده که پیامبر ﷺ: «آب زمزم را در ظروف و کوزه‌ها حمل می‌کرد، و بر مریضان می‌پاشید و آنها را آب می‌داد»^(۱).

۱- مسند ابویعلی (۶۱۴۸)، بیهقی در سنن کبری (۱۶۹/۶) و شعب الإیمان (۸۹۷۶)، بخاری در الأدب المفرد (۵۹۴)، حافظ ابن حجر عسقلانی در التخلیص الحبیر (۷۰/۳)، و سندش حسن است، و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۱۶۰۱) آن را حسن دانسته است.

۲- المنهاج للمعتمر و الماح، سعود بن ابراهیم الشریم ص (۱۲۴).

۳- مسلم (۲۴۷۳) بیهقی، طبرانی، بزار، سندش صحیح است. مجمع الزوائد (۲۸۶/۳).

۴- ابن ماجه (۳۰۶۲)، بیهقی در سنن کبری (۲۰۲/۵)، مسند احمد (۳۷۲/۳)، شیخ البانی در صحیح ابن ماجه (۵۹/۳) و ارواء الغلیل (۱۱۲۳) و سلسله الأحادیث الصحیحة (۸۸۳) آن را صحیح دانسته است.

۳۴- مستحب است اگر شخص مسافر به سرزمینش بازگشت، در آغوش گرفته شود؛ چون این عمل از یاران پیامبر ﷺ ثابت شده، همچنان که انس رضی الله عنه می گوید: «یاران پیامبر ﷺ هرگاه همدیگر را می دیدند با هم دست می دادند و هر گاه از سفر برمی گشتند، همدیگر را در آغوش می گرفتند»^(۲).

۳۵- مستحب است شخص مسافر هنگام بازگشت از سفر دوستانش را جمع کند و به آنها غذا دهد. چون این عمل را پیامبر ﷺ انجام داده از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که: «رسول خدا ﷺ هر گاه به مدینه برمی گشت، شتر یا گاوی را سرمی بریدند». معاذ بر این روایت اضافه کرده که از شعبه از محارب از جابر بن عبدالله رضی الله عنه شنیده که: «پیامبر ﷺ از من - جابر - شتری را خرید به دو اوق و یک درهم یا به دو درهم و وقتی به صرار^(۳) رسید، دستور داد که گاوی را بکشند سپس از آن خوردند...»^(۴) یک اوقه $\frac{1}{12}$ رطل مصری است و نوعی واحد پول بوده است. به این غذا، النقیعه گفته می شود و آن غذایی است که مسافر هنگام

۱- ترمذی (۹۶۳)، مستدرک حاکم (۴۸۵/۱)، شیخ البانی در سلسلة الأحادیث الصحيحة (۸۸۳) و صحیح الجامع الصغیر (۴۹۳۱) آن را صحیح دانسته است.

۲- طبرانی در «الأوسط مجمع البحرين زوائد المعجمین» (۲۶۲/۵) و هیثمی در مجمع الزوائد (۳۶/۸) و گفته: رجالش، رجال صحیحی هستند.

۳- صرار: جایی است پشت مدینه، که سه مایل از مدینه دور است و در طرف شرق آن قرار دارد. فتح الباری (۱۹۴/۶).

۴- بخاری (۳۰۸۹)، مسلم (۷۱۵، ۷۲).

بازگشت از سفرش آن را برای دوستانش تهیه می‌کند^(۱).

و این حدیث و امثال آن دلالت دارند بر اینکه امام یا رئیس قومی اگر از سفر بازگشت به دوستانش غذا دهد و این عمل نزد سلف صالح مستحب بوده است^(۲).

۳۶- در سفر، زنگوله، نی، فلوت و سگ همراه مسافر نباشد، بخاطر اینکه ابوهیریه رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: «ملائکه با گروهی که در بین آنها سگ و زنگوله باشد، همراهی نمی‌کنند»^(۳). باز از ابوهیریه رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «زنگوله، فلوت شیطان است»^(۴).

۳۷- اگر شخص مسافر خواست که با یکی از همسرانش - در صورتی که بیش از یک زن داشته باشد - به سفر برود باید بین آنها قرعه‌کشی کند و قرعه به نام هر کس درآید، با او به سفر رود، چون ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اگر می‌خواست به سفری رود بین همسرانش قرعه‌کشی انداخت و قرعه به نام هر که درمی‌آمد با او سفر می‌کرد»^(۵). و این سنت است، شخص هرگاه بخواهد با همسرش به سفر رود، در قرعه انداختن راحتی بزرگی نهفته است^۶.

۱- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ابن اثیر (۱۰۹/۵)، القاموس المحیط ص (۹۹۲)، المغنی، ابن قدامه (۱۱۹/۱).

۲- ابن بطال چنین گفته است، فتح الباری (۱۹۴/۶).

۳- مسلم (۲۱۱۳).

۴- متفق علیه، بخاری (۲۵۹۳)، مسلم (۲۴۴۵).

۵- مسلم (۲۱۱۴)، مسند احمد (۳۷۲/۲)، ابوداود (۲۵۵۶).

۶- از استادمان، امام ابن باز، هنگام شرحش بر صحیح بخاری، حدیث (۲۸۷۹)، آن را شنیدم.

فصل چهارم:

قرآن، سنت و اجماع علما بر قصر کردن نماز در سفر دلالت دارند

۱ - اما قرآن:

خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۰۱].

«اگر در زمین سفر کردید گناهی بر شما نیست اگر نمازهایتان را کوتاه کنید، در حالی که از کافران می‌ترسید که به شما درست‌درازی کنند، حقیقتاً کافران، دشمنان آشکار شمايند.»

از یعلی بن امیه روایت است که می‌گوید، به عمر بن خطاب رضی الله عنه گفتم: خداوند می‌فرماید: (گناهی بر شما نیست اگر نمازهایتان را کوتاه کنید در حالی که از کافران می‌ترسید که به شما دست‌درازی کنند) ولی اکنون که مردم در امنیت به سر می‌برند باز نمازهایشان را کوتاه کنند. امام عمر رضی الله عنه فرمود: از آنچه که تو درباره آن تعجب کردی، من هم تعجب می‌کردم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد این مسئله سؤال کردم، فرمودند: «این صدقه‌ای است

که خداوند به وسیله آن بر شما نیکی کرده، پس صدقه خدا را قبول کنید»^(۱).

۲- اما سنت: اخبار در مورد اینکه رسول خدا ﷺ در سفرهایش - حج، عمره یا جهاد - نمازش را قصر می‌کرده، به شهرت فراوان رسیده است.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: «در تمام مدتی که با رسول خدا ﷺ بودم، هیچگاه در سفر از دو رکعت نماز بیشتر نمی‌خواند، و ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم نیز چنین بودند»^(۲). از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «خداوند ابتدا نمازهای واجب را چه در سفر و چه در غیر سفر به صورت دو رکعتی فرض نمود سپس تعداد رکعات نمازهای واجب در غیر سفر افزایش یافتند ولی در سفر به حالت دو رکعتی باقی ماندند».

و باز در روایتی که بخاری از ام‌المؤمنین عایشه روایت کرده است، آمده: «نماز در اول دو رکعت فرض شد، سپس پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد، و نماز چهار رکعت فرض شد، و نماز مسافر به حالت اولیه‌اش باقی ماند»^(۳). امام احمد بر این روایت اضافه کرده که «به غیر از نماز مغرب، که آن نماز وتر روز است و به غیر از صبح، چون در آن قرائت به درازا می‌کشد»^(۴).

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که، می‌گوید: «خداوند نماز را بر زبان پیامبرتان ﷺ در غیر سفر چهار رکعت و در سفر دو و در هنگام ترس یک رکعت فرض گرداند»^(۵).

۱- مسلم (۶۸۶).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۱۰۲)، مسلم (۶۸۹).

۳- متفق علیه، بخاری (۳۵۰-۱۰۹۰-۳۹۳۵)، مسلم (۱۵۷۰).

۴- مسند احمد (۲۴۱/۶)، ابن خزیمه (۳۰۵)، ابن حبان (۲۷۳۸).

۵- مسلم (۶۸۷).

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که: «نماز چهار رکعتی را با پیامبر صلی الله علیه و آله در منی دو رکعتی می خواندم، و با ابوبکر و عمر نیز - در زمان خلافت شان - در منی نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت می خواندم، چقدر دوست دارم به جای این چهار رکعت، دو رکعت قبول شده بخوانم». و در لفظی دیگر این چنین آمده: «نماز چهار رکعتی را با پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعتی می خواندم و با ابوبکر و عمر نیز - در زمان خلافت شان - نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت می خواندم، سپس اختلاف در بین شما افتاد چقدر دوست دارم به جای این چهار رکعت، دو رکعت قبول شده بخوانم»^(۱).

۳- اما اجماع: اجماع علما بر این است که اگر کسی به سفری رود که در آن مثل سفر حج، عمره، جهاد می تواند نماز را کوتاه کرد، برایش جایز است که نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند^(۲). و اجماع شان بر این است که نماز مغرب و صبح را نمی توان کوتاه کرد^(۳).

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۴)، (۱۶۵۶)، مسلم (۶۹۵).

۲- الإجماع، ابن منذر، ص (۴۶) و المغنی، ابن قدامه (۱۰۵/۳).

۳- الإجماع، ابن منذر، ص (۴۶).

فصل پنجم:

کوتاه کردن نماز در سفر از تمام خواندن آن بهتر است

بخاطر روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که می گوید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند دوست دارد که به رخصت‌هایش عمل شود، همچنان که دوست ندارد به نافرمانیش عمل شود»^(۱) و در روایتی دیگر آمده: «خداوند دوست دارد که به رخصت‌هایش عمل شود، همچنان که دوست دارد به سختی‌هایش نیز عمل شود»^(۲).

اگر مسافر نماز چهار رکعتیش را به صورت تمام بخواند، نمازش درست است، ولی با عمل افضل‌تر - دو رکعت خواندن نماز - مخالفت کرده است، زیرا ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها بعد از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر نمازهایش را به صورت تمام می‌خواند و امام عثمان رضی الله عنه نیز در منی نمازهایش را به صورت تمام می‌خواند^(۳) ولی آن عملی که پیامبر صلی الله علیه و آله در سفرهایش بر آن مداومت

۱- مسند احمد (۱۰۸/۲)، شیخ البانی در ارواء الغلیل (۵۶۴) آن را صحیح دانسته است.

۲- ابن حبان (۳۵۴-۶۹/۲)، طبرانی در المعجم الکبیر (۱۱۸۸۰) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۱۱/۳) شماره (۵۶۴)، آن را صحیح دانسته است.

۳- مسلم (۶۸۵)، بخاری (۱۰۸۴)، (۱۶۵۶)،

داشته - یعنی کوتاه کردن نمازها - بدون شک عملی بهتر و برتر است^(۱).
و از استادمان، امام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته الله علیه شنیدم که می فرمود:
«اصل در نماز همچنان که خداوند آن را فرض کرده دو رکعت خواندن آن
است، سپس خداوند بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای غیر سفر دو
رکعت اضافه کرد - در نمازهای ظهر، عصر و عشاء - و نمازهای سفر به حالت
خود - دو رکعتی - باقی ماندند، و این مطالب اصل است. و نماز مغرب و
صبح نیز بر حالت اصلی خود باقی ماندند. پس قصر کردن نماز در سفر
سنت مؤکد است ولی با وجود این تمام خواندن نماز در سفر ممنوع نیست،
و قصر کردن نماز، صدقه‌ای از طرف خداوند است، و هر کس آن تمام بخواند
دچار گناهی نشده. و ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها در سفر نمازش را به این

- ۱- شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمته الله علیه می گوید: (علما در مورد قصر کردن نماز در سفر، و آیا
قصر کردن حرام یا مکروه است؟ یا ترکش بهتر است؟ یا مستحب است؟ یا هر دو
یکسان است؟ دچار اختلاف شده‌اند، و بر ۵ قول تقسیم شده‌اند:
۱) قول کسانی که می‌گویند: تمام خواندن نمازها بهتر است، مثل یکی از اقوال امام
شافعی.
۲) قول کسانی که بین قصر یا تمام خواندن را یکسان دانسته‌اند، مثل: بعضی از
اصحاب امام مالک.
۳) قول کسانی که می‌گویند: قصر خواندن نمازها بهتر است، مثل قول صحیح امام
شافعی و یکی از روایاتی که از امام احمد شده است.
۴) قول کسانی که می‌گویند: قصر خواندن نمازها واجب است، مثل قول ابوحنیفه، و
امام مالک در یکی از روایاتی که از او شده است.
۵) قول کسانی که می‌گویند: قصر خواندن نمازها، سنت است و تمام خواندن آنها
مکروه است، که این قول، صحیح‌ترین اقوال می‌باشد، و به همین خاطر نیت آوردن
برای نماز قصر نزد اکثر علما مثل، ابوحنیفه، مالک، احمد در یکی از اقوالش، واجب
نیست). مجموع الفتاوی (ج ۲۴ / ص ۹، ۱۰، ۲۱-۲۲).

دلیل که هیچ سختی بر او نیست، به صورت تمام - چهار رکعتی - می خواند. و صحابه هم این عمل او را ناپسند نمی شمردند، در حالی که عایشه رضی الله عنها از عالم ترین مردم بود»^۱.

اگر شخص نمازی را در غیر سفر فراموش کرده باشد و بعداً در سفر یادش آید که آن را نخوانده است، بر اساس فتوای اجماع علما واجب است که آن را به صورت تمام بدون قصر کردن بخواند. چون نماز چهار رکعتی در غیر سفر بر او فرض شده پس جایز نیست که در آن نقص ایجاد کند. و او در اصل قضای نماز فوت شده را می کند که آن نماز هم چهار رکعتی بود.

اما اگر شخص نمازی را در سفر فراموش کرده و بعداً در غیر سفر یادش آید که آن را نخوانده است، امام احمد در مورد آن می گوید: شرط احتیاط آن است که نمازش را به طور تمام بخواند و امامان اوزاعی، داود و شافعی در یکی از اقوالش چنین فتوا داده اند، و امامان مالک، ثوری و اهل رأی می گویند: آن را به صورت نماز سفر بخواند، زیرا او قضای نماز فوت شده را

۱- از استادمان در هنگام شرحش بر بلوغ المرام، حدیث (۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵) شنیدم که در مورد روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که فرموده: «پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر نمازش را گاهی به صورت قصر و گاهی به صورت تمام می خوانده و گاهی روزه می گرفت و گاهی نمی گرفت» می فرماید: علما می گویند این روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایتی شاذ و غیر محفوظ است، و آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ و نقل شده، این است که ایشان در سفر نمازش را به صورت قصر می خواند، و این روایت عایشه رضی الله عنها با روایات صحیح دیگری مثل روایت انس و امثال او، تضاد و مخالفت دارد پس باید گفت که این عمل عایشه رضی الله عنها دلالت بر جواز اتمام خواندن نماز در سفر است، ولی آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن عمل کرده و تأکید داشته، بهتر و دوست تر است. و امام عثمان رضی الله عنه نیز در اوائل نمازها را در سفر قصر می کرد، و بعداً آنها را تمام می خواند. و بعضی از یارانش نیز به امامت او نماز می خواندند.

می‌کند و فقط دو رکعت نماز هم از او فوت شده است^۱، والله اعلم^۲.
و اگر شخص نمازی را در سفر فراموش کرد و در همان سفر یا سفر دیگری
یادش آمد، آن را به صورت قصر قضا کند، چون آن نماز در سفر بر او واجب
شده و در سفر نیز آن را ادا کرده است^۳.

۱- المغنی، ابن قدامه (۱۴۱/۳-۱۴۲)، «الإنصاف في عرضة الراجح من الخلاف المطبوع مع المقنع و الشرح الكبير» (۵۳/۵-۵۴)، «حاشية الروض المربع»، ابن قاسم (۳۸۷/۲).

۲- علامه محمدبن صالح العثيمين در مورد کسی که نمازی را در سفر یادش رفته و سپس در غیر سفر یادش می‌آید، قول راجح را این دانسته که آن نماز را بصورت قصر بخواند، چون آن نماز در سفر بر او واجب شده و نماز سفر دو رکعت است، پس لازم نیست تمام خوانده شود، بر این اساس این مسئله دارای ۴ شکل می‌باشد:

۱) نماز سفر را در سفر یادش می‌آید، پس آن را به صورت قصر می‌خواند.

۲) نماز غیر سفر را در غیر سفر یادش می‌آید، پس آن را به صورت تمام می‌خواند.

۳) نماز سفر را در غیر سفر یادش می‌آید، پس بنابر قول صحیح آن را بصورت قصر می‌خواند.

۴) نماز غیر را در سفر یادش می‌آید، پس آن را به صورت تمام می‌خواند. الشرح الممتع، ابن عثيمين (۵۱۷/۴-۵۱۹)، (۵۴۲/۵-۵۴۳).

۳- المغنی، ابن قدامه (۱۴۲/۳).

فصل ششم: مسافت لازم برای قصر کردن نماز در سفر

بخاری رحمته الله علیه می‌گوید: «باب: در چه مسافتی نماز قصر می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک شب و روز را سفر نامیده و ابن عمر و ابن عباس رضی الله عنهما در مسافت ۴ برد - ۱۶ فرسخ - نمازشان را قصر و روزه‌اشان را افطار می‌کردند»^(۱).

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله علیه می‌گوید: «منظور بخاری از باب: در چه مسافتی نماز قصر می‌شود؟ بیان کردن مقدار مسافتی است که اگر مسافر قصد رسیدن به آن را کند جایز است نمازش را قصر کند و اگر کمتر از آن باشد جایز نیست و بخاری مقدمه را با لفظ سؤالی آورده و دلایلی را مبنی بر اینکه کمترین مسافت قصر نماز، یک شب و روز است، آورده است»^(۲).

۱- بخاری (۱۰۸۶)، حافظ ابن حجر عسقلانی در روایتی که از ابن عمر و ابن عباس نقل می‌کند، می‌گوید: (ابن المنذر از طریق روایت یزید بن ابی حبیب از عطاء بن ابی رباح، آن را وصل کرده که: ابن عمر و ابن عباس در فاصله ۴ برد و بیشتر از آن، نمازشان را بصورت قصر می‌خواندند و روزه نمی‌گرفتند) (فتح الباری (۲/۵۶۶)).

شیخ البانی در مورد روایت ابن عباس رضی الله عنهما و ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: (صحیح است ... و بیهقی در سننش (۱۲۷/۳) آن را وصل کرده که: عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما و عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در فاصله ۴ برد و بیشتر از آن، نمازشان را بصورت قصر می‌خواندند و روزه نمی‌گرفتند، و سندش صحیح است) (ارواء الغلیل، (۱۷/۳)).

۲- فتح الباری (۲/۵۶۶).

و باز حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله می گوید: «منظور بخاری از - پیامبر صلی الله علیه و آله مسافت یک شبانه روز را سفر نامیده - این است که، پیامبر صلی الله علیه و آله مدت زمان یک شب و روز را سفر نامیده است. و مثل این است بخاری به حدیث ابوهریره که در این باب آورده اشاره کرده است»^(۱). و آن این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله است: «جایز نیست برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، مسافت یک شبانه روز سفر نماید مگر همراه کسی که برایش محرم است»^(۲).

و در لفظی دیگر که مسلم روایت کرده، می فرماید: «برای زنی مسلمان جایز نیست که مسافت یک شب سفر نماید، مگر همراه مردی که برایش محرم باشد». و در روایتی دیگر می فرماید: «جایز نیست برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، مسافت یک روز سفر نماید مگر همراه محرمش».

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ زنی سه روز مسافرت نمی کند مگر همراه محرمش». و در روایتی دیگر آمده: «هیچ زنی سه مسافرت نمی کند مگر همراه محرمش». و در لفظی دیگر که مسلم روایت کرده می فرماید: «برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، جایز نیست مسافت سه شب را مسافرت کند مگر همراه او محرمی باشد»^(۳).

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای هیچ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، جایز نیست که مسافت سه روز یا بیشتر را مسافرت کند، مگر آنکه، پدرش، پسرش، شوهرش، برادرش یا یکی از محارمش با او باشد»^(۴).

۱- فتح الباری (۵۶۶/۲).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۸)، مسلم (۱۳۳۹).

۳- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۶)، مسلم (۱۳۳۸).

۴- مسلم (۱۳۴۱).

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر این که با وی محرمی باشد و زن سفر نکند مگر همراه کسی که محرمش است»^(۱).

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله می گوید: اگر در این احادیث روز مطلق یا شب مطلق بر مقدار کاملش حمل شود، یعنی: روز با شبش یا شب با روزش، در این حالت اختلاف بین احادیث کم می شود و از هر سه حدیث استنباط می شود که کمترین مسافت سفر، یک شب و روز است^(۲).

و از سخن ابن عباس رضی الله عنهما اینگونه استنباط می شود: «برای کسی که اهل مکه است در سفر به سوی عرفه و بطن نخله - نام محلی است - نمازش را قصر نکند و در سفر به سوی عسفان^(۳)، طائف و جده نمازش را کوتاه کند و اگر به مردمانی یا گله های حیوانات رسید، نمازش را به صورت تمام بخواند»^(۴).

خلاصه: جمهور اهل علم بر این مسئله اتفاق نظر دارند، مسافت سفری که در آن نماز قصر می شود، ۴ برد است. و هر برد مسافت نصف روز و آن هم ۴ فرسخ است و هر فرسخ ۳ میل است، پس نزد جمهور اگر طول سفر انسان ۱۶ فرسخ یا ۴۸ میل باشد می تواند نمازش را کوتاه کند. و این برای انسان مسلمان بهتر است^(۵).

۱- متفق علیه، بخاری (۵۲۳۳)، مسلم (۱۳۴۱).

۲- فتح الباری (۵۶۶/۲).

۳- عسفان: چشمه ای از چشمه های آب سر راه بین جحفه و مکه می باشد. معجم البلدان (۱۲۱/۴).

۴- بیهقی، السنن الکبری (۱۳۷/۳) و ابن ابی شیبیه در مصنفش (۴۴۵/۲) و این روایت هم لفظ اوست، شیخ البانی در ارواء الغلیل (۱۴/۳)، سندش صحیح است.

۵- مسافتی که باید مسافر بعد از خارج شدن از تمام ساختمان ها و بناهای شهر یا روستایش به آنجا برسد تا قصر نماز برایش جایز باشد از جمله مسائلی است که علما

و از استادمان، امام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته الله شنیدم، که می فرمود^(۱): «بهترین راه حل آن است که آنچه به عنوان سفر تلقی می شود، احکام سفر نیز شاملش شود: از کوتاه و جمع کردن نمازها، افطار کردن روزه، و سه روز مسح کردن بر خفین. زیرا در آن نیاز به توشه و کوله بار است. ولی اگر انسان مسلمان به قول جمهور مبنی بر اینکه آنچه به عنوان سفر محسوب می شود که دو روز را دربرمی گیرد^(۲)، عمل کند، از لحاظ باب

در آن دچار اختلاف شده اند. ابن المنذر و امثال او، حدود ۲۰ قول از علما در این باره نقل کرده اند.

شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمته الله می فرماید: (علما در مورد اینکه آیا قصر نماز، اختصاص به بعضی از سفرها دارد یا در هر سفری جایز است، دچار اختلاف و منازعه شده اند، و در نهایت این قول اختیار شده که قصر نماز در هر سفر کوتاه یا طولانی جایز است، همچنان که اهل مکه در منی و عرفه پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمازشان را قصر می کردند. و بین مکه و عرفه حدود ۱ برد (۴ فرسخ) فاصله است، ولی باید آن مسیر به عنوان سفر محسوب شود یعنی: توشه راه برایش آماده شود و به صحرا رفته شود، و علما در مورد قصر کردن نماز، اهل مکه اختلاف دارند، بعضی گفته اند: آن به خاطر حج بوده، بعضی گفته اند: آن به خاطر سفر بوده، و هر دوی این اقوال را بعضی از پیروان امام احمد نیز گفته اند، و قول دوم - بخاطر سفر - قول صحیح و درست است، و اهل مکه بخاطر در سفر بودنشان نمازها را به صورت قصر می خواندند، و به همین خاطر آنها با وجود اینکه در حال احرام بودند در مکه قصر نمی کردند، و قصر کردن یا نکردن نمازها ربط به وجود سفر یا عدم وجود سفر دارد.) مجموع الفتاوی، ابن تیمیہ جلدهای (۲۴-۱۱-۴۱)، المغنی، ابن قدامه (۳/۱۰۵-۱۰۹)، فتح الباری، ابن حجر (۲/۵۶۶-۵۶۸).

۱- شنیدم از او، هنگام شرحش بر بلوغ المرام، حدیث (۴۵۷).

۲- الیومان القاصدان مسیر ۴ برد است، و هر برد مسیر نصف روز است، القاصدان: یعنی، در آن انسان نه شب و روز، به صورت مداوم و پیوسته و تند تند، حرکت می کند و نه

احتیاط بهتر است. برای اینکه مردم به خاطر جهل زیاد و عدم آگاهی دچار ساده‌انگاری نشوند و در مسافت‌هایی نماز را قصر کنند که شایسته نباشد، خصوصاً اکنون با وجود ماشین‌های فراوان که وجود دارد، چون این مسئله سبب ساده‌انگاری در روزه گرفتن نیز می‌شود و کار به جایی می‌رسد که انسان در دوروبر روستا یا شهرش هم افطار می‌کند. و مسافت دو روز با پیاده، حدود ۷۰ یا هشتاد کیلومتر می‌باشد»^(۱).

و استادمان امام بن باز در ادامه می‌فرماید: «بعضی از علما می‌گویند که حداقل محدوده مسافت سفر با عرف مشخص می‌شود و با کیلومترهای تقریبی معین نمی‌شود، آنچه از لحاظ عرف به عنوان سفر محسوب شود به آن سفر گویند و اگر از لحاظ عرف به عنوان سفر محسوب نشود به آن سفر

به گونه‌ای که زیاد اطراق کند و اقامت گزینند، بلکه حالتی متوسط بین این دو حالت می‌باشد.

و هر برد اگر حدوداً ۴ فرسخ باشد، پس ۴ برد، ۱۶ فرسخ می‌شود، و هر فرسخ حدوداً ۳ مایل است، پس ۱۶ فرسخ، ۴۸ مایل می‌باشد، و مایل معروف حدود ۱۶۰۰ متر است، پس کل ۴ برد حدود ۷۶/۸ کیلومتر می‌باشد، و در قولی گفته شده که ۸۰/۶۴ کیلومتر و یا ۷۲ کیلومتر است، علامه محمدبن صالح العثیمین رحمته می‌گوید: مایل معروف ۱۶۰۰ متر است، الشرح الممتع (۴/۴۹۶)، تیسیر العلام، آل بسام (۱/۲۷۳)، فتح الربانی، البنا (۵/۱۰۸).

۱- و شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته همچنان که گذشت این قول را اختیار کرده که، با تعیین مسافت نمی‌توان حدود سفر را مشخص کرد، بلکه هر سفری که برای آن توشه راه آماده شود و به صحرا گذر افتد به عنوان سفر محسوب می‌شود، و علامه ابن عثیمین هم این قول را ترجیح داده، و ابن قدامه مقدسی نیز در مغنی همین قول را برگزیده. المغنی، ابن قدامه (۳/۱۰۹)، مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (ج ۲۴/ ص ۱۱-۱۳۵)، مجموع الفتاوی، ابن عثیمین (ج ۱۵/ ص ۲۵۲-۴۵۱)، الإختیارات، السعدی (ص ۶۵).

نمی‌گویند^(۱). ولی قول اصح، گفتهٔ جمهور اهل علم - و آن محدود کردن سفر به مسافت - که قبل از این آن را بیان کردم، می‌باشد. و اکثر علما بر این قول اتفاق نظر دارند، پس شایسته است که از آن پیروی شود^(۱).

۱- شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ می‌گوید: (در مورد حد سفری که خداوند، شکستن روزه و قصر کردن نماز را به آن مرتبط کرده مردم دچار اختلاف شده‌اند، گفته شده: مدت زمان سه شب است، مدت زمان دو روز است، کمتر از دو روز است، حتی گفته شده: مدت زمان یک مایل است، و کسانی که حد سفر را با مسافت مشخص کرده‌اند، بعضی گفته‌اند: ۴۸ مایل، بعضی گفته‌اند: ۴۶ مایل، بعضی دیگر گفته‌اند: ۴۵ مایل، گفته شده: ۴۰ مایل، کسانی که می‌گویند حد سفر، مدت زمان سه روز است، به روایت مسح مسافر بر خفین به مدت سه روز و سفر نکردن زن مسافت سه روز را مگر همراه محرمی استفاده کرده‌اند. و کسانی که گفته‌اند: حد سفر مدت زمان دو روز است، بر اقوال ابن عمر و ابن عباس اعتماد کرده‌اند). مجموع الفتاوی (ج ۲۴/ص ۳۸-۴۰) و ابن تیمیہ در ادامه می‌فرماید: (ابن حزم گفته: هیچ کسی را ندیدم که در کمتر از یک مایل، نمازش را قصر کند) مجموع الفتاوی (ج ۴۱/۲۴).

از انس رضی اللہ عنہ روایت است که «رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم زمانی که از مدینه به مسافت ۳ مایل یا فرسخ خارج می‌شد، نمازش را ۲ رکعتی می‌خواند»، مسلم (۶۹۱)، و این گفته - ۳ مایل یا فرسخ - شکی از طرف راوی حدیث است. و ظاهری‌ها می‌گویند: مسافت قصر، ۳ مایل است و در مقابل این قول ظاهری‌ها گفته شده که در این حدیث بخاطر مشکوک بودن در ۳ مایل به آن استناد نمی‌شود، ولی در جواب این اشکال گیرندگان گفته شده که: اتفاقاً به آن استناد می‌شود، چون اگر بخاطر احتیاط به بیشترین مسافت یعنی ۳ فرسخ نیز دست گرفته شود با استناد کردن به آن درست است، زیرا ۳ مایل داخل ۳ فرسخ قرار می‌گیرد و از آن مسافت کمتری است. فتح الباری (۵۶۷/۲)، سبل السلام، صنعانی (۱۳۴/۳)، و همین مفهوم را از شیخ بن باز در هنگام شرحش بر بلوغ المرام، حدیث (۴۵۷) شنیدم، و ابن قدامه در المغنی (۱۰۸/۳) می‌گوید: «احتمال دارد منظور روایت این باشد که اگر پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم می‌خواست به سفری طولانی برود، زمانی که به مسافت ۳ مایلی از مدینه می‌رسید،

نمازش را قصر می‌کرد، همچنان که در روایتی دیگر آمده پیامبر ﷺ در مدینه نمازش را ۴ رکعت و در ذی‌الحلیفه دو رکعت می‌خواند». و صنعانی در سبل اسلام (۱۳۳/۳) می‌گوید: «منظور از این گفته (زمانی که خارج شد) این است که: پیامبر ﷺ اگر می‌خواست مسافتی به طول ۳ مایل طی کند، نه اینکه، پیامبر ﷺ اگر می‌خواست به سفری طولانی برود، نمازش را کوتاه نمی‌کرد مگر بعد از طی مسافت ۳ مایلی».

فصل هفتم: شخص مسافر اگر از تمام بناهای روستا یا شهرش بیرون آمد نمازش را قصر می‌کند

البته این عمل به شرطی درست است که سفرش به گونه‌ای باشد نماز در آن قصر شود.

ابن المنذر رحمته الله می‌گوید: «اجماع علما بر این است، کسی که می‌خواهد به سفر رود، می‌تواند به محض اینکه از بناها و سازه‌های روستایی که از آن خارج می‌شود، بیرون آمد، نمازش را قصر کند»^(۱).

و این مذهب جمهور اهل علم است، که اگر مسافر خواست به سفری رود که در مثل آن می‌توان نماز را قصر کرد، تا از تمام بناهای شهر یا روستا بیرون نیاید، نمازش را قصر نکند^(۲).

انس رضی الله عنه می‌گوید: «نماز ظهر را در مدینه با پیامبر صلی الله علیه و آله ۴ رکعتی خواندم و در ذوالحلیفه، (نماز عصر) را ۲ رکعتی خواندم». و در روایتی دیگر آمده که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر را در مدینه، ۴ رکعتی خواند و نماز عصر را در ذوالحلیفه، ۲ رکعتی خواند»^(۳).

ذوالحلیفه مکانی است که در شش مایلی مدینه قرار دارد.

۱- الإجماع، ابن منذر ص (۴۷).

۲- فتح الباری، ابن حجر (۵۶۹/۲).

۳- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۹)، (۱۵۴۶)، مسلم (۶۹۰).

و این روایات دلیلی هستند بر اینکه، برای کسی که نیت سفر کردن دارد جایز نیست نمازش را قصر کند تا از خانه‌های روستا یا شهرش یا چاردهای قومش خارج نشود و آنها را پشت سر نگذارد^(۱).

امام علی علیه السلام از شهر خارج شد و در حالی که از دور خانه‌های شهر را می‌دید، نمازش را کوتاه کرد، وقتی برگشت، به او گفته شد: این کوفه است؟ - منظورشان این بود آنجایی که تو نماز را در آن قصر کردی جزو شهر بود - امام علی گفت: نه، تا داخل نشویم، جزو شهر نیست^(۲).

اگر انسان بعد از داخل شدن وقت نماز سفر کرد، برایش جایز است نمازش را قصر کند، چون او قبل از خارج شدن وقت نماز سفر کرده است. ابن المنذر می‌گوید: «کلیه کسانی که از اهل علم به یاد دارم، بر این مسئله - جمله قبلی - اتفاق نظر دارند، و این فرموده امام مالک، اوزاعی، شافعی، اهل رأی و یک از اقوال مذهب حنبلی می‌باشد^(۳)، واللہ اعلم^(۴)».

۱- المغنی، ابن قدامه (۱۱/۳)، «الشرح الکبیر مع المقنع» (۴۴/۵)، «الإنصاف مع

المقنع و الشرح الکبیر» (۴۴/۵)، «الشرح الممتع»، ابن عثیمین (۵۱۲/۴).

۲- بخاری (۱۰۸۹).

۳- المغنی، ابن قدامه (۱۴۳/۳)، الأنصاف چاپ شده با المقنع و الشرح الکبیر (۵۳/۵)، و روایت دوم نزد حنبلی‌ها، روایت صحیحی است که آنها نماز را در این حالت تمام می‌خوانند. الإنصاف مع المقنع و الشرح الکبیر (۵۳/۵)، المغنی، ابن قدامه (۱۴۳/۳).

۴- این قول را ابن عثیمین نیز برگزیده و می‌گوید: (اگر وقت نماز داخل شد و او در شهرش بود، سپس سفر کرد، او می‌تواند نمازش را قصر کند، و اگر وقت نماز داخل شده و او در سفر بود، سپس وارد شهرش شد، نمازش را به صورت تمام می‌خواند بر مبنای وضع و حالتی که در آن نماز را انجام می‌دهد). الشرح الممتع (۵۲۳/۴).

فصل هشتم:

مدت زمانی که مسافر می‌تواند در آن نمازش را قصر کند

ابن المنذر می‌گوید: «اجماع اهل علم، بدون هیچگونه اختلافی بر این استوار است: کسی که به سفری می‌رود جایز است نمازش قصر کند، و فرقی نمی‌کند، سفر حج، عمره یا جهاد باشد، می‌تواند تا زمانی که در سفر است و به منزلش بازنگشته بدون هیچ محدودیتی نمازش را قصر کند»^(۱).

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که فرموده: «با پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه به مکه رفتیم و پیامبر صلی الله علیه و آله - نمازهای چهار رکعتی را - دو رکعت دو رکعت می‌خواند، گفتم: چقدر در مکه ماندید؟^(۲) گفت: «۱۰ روز»^(۳).

ابن قدامه رحمته الله می‌گوید: «و خلاصه این اقوال: هر کس که مدت اقامت بیشتر از ۲۱ نماز را با هم قصر نکرده باشد، می‌تواند نمازش را به صورت قصر بخواند و همچنین کسی که سال‌ها در جایی بماند»^(۴).

اما اگر نیت ماندن در جایی را به مدت بیشتر از ۴ روز داشت، باید نمازش را تمام بخواند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله برای حجه الوداع، روز یکشنبه از

۱- الإجماع، ابن المنذر ص (۴۷).

۲- سؤال کننده، همان روایت کننده از انس رضی الله عنه یعنی، یحیی بن آبی اسحاق، است.

۳- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۱)، مسلم (۶۹۳).

۴- المغنی، ابن قدامه (۱۵۳/۳).

ماه ذی‌الحجه به مکه رسید و روزهای یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه در مکه ماند و سپس روز پنجشنبه به سوی منی خارج شد، و در صبح روز چهارم ذی‌الحجه باز به مکه برگشت و روزهای چهارم، پنجم، ششم و هفتم ذی‌الحجه را در مکه ماند و روز هشتم، نماز صبح را در ابطح خواند، پیامبر ﷺ در طول این ایام نمازش را به صورت قصر می‌خواند، در حالی که تصمیم بر اقامت داشت، پس اگر شخص مسافر نیز قصد ماندن، به شیوه پیامبر ﷺ را داشت می‌تواند نمازش را به صورت قصر بخواند، و اگر قصد ماندن بیشتر از آن را داشت، باید نمازش را تمام بخواند^(۱).

ابن عباس می‌گوید: «پیامبر ﷺ همراه اصحابش، صبح روز چهارم ذی‌الحجه وارد مکه شدند و لیبک به حج می‌گفتند - یعنی اول به حج احرام بسته بودند - بعداً پیامبر ﷺ به آنان دستور داد به جز کسانی که هدیه - قربانی - به همراه دارند، بقیه احرام حج را به احرام عمره تبدیل نمایند»^(۲).

شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: «اگر شخص نیت کرد در شهری یا روستایی، ۴ روز یا کمتر از آن بماند، نمازش را قصر بخواند، همچنان که پیامبر ﷺ زمانی وارد مکه شد، چنین کاری انجام داد، او ۴ روز در مکه ماند و نمازهایش را به صورت قصر خواند، ولی اگر مدت ماندن در جایی بیشتر از ۴ روز باشد، در آن اختلاف وجود دارد، و بهتر و صحیح آن است که نمازش را به صورت کامل بخواند، اما اگر شخص نیت ۴ روز اقامت را داشته باشد ولی بیشتر ماند و در نیتش بود فردا می‌روم یا پس فردا می‌روم و نیت ماندگاری بیشتر نداشته باشد، می‌تواند به دلیل مشخص نبودن زمان

۱- المغنی، ابن قدامه (۱۴۷/۳-۱۴۸)، الشرح الکبیر چاپ شده با المقنع (۶۸/۵)،

الإنصاف مع الشرح الکبیر (۱۶۸/۵)، حاشیه ابن قاسم علی الروض المربع (۳۹۰/۲).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۵).

رفتنش، نمازهایش را به صورت قصر بخواند. پیامبر ﷺ ده روز و اندی را در مکه ماندگار شد و نمازهایش را به صورت قصر می‌خواند و حدود ۲۰ شب را در تبوک ماندگار شد و نمازهایش را به صورت قصر می‌خواند.^(۱) والله اعلم.

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیہ (ج ۲۴/ ص ۱۷)، و از ابن تیمیہ رحمته در مورد مردی که می‌داند ۲ ماه در جایی اقامت می‌گزیند، سؤال شد آیا می‌تواند که در این مدت نمازش را به صورت قصر بخواند؟ جواب داد: «الحمدلله، علما درباره این مسأله اختلاف دارند، بعضی‌ها تمام خواندن نماز را واجب می‌دانند بعضی‌ها قصر کردن نماز را واجب می‌دانند، و قول صحیح آن است که هر دو شیوه درست و بدون اشکال است، هر کس نمازش را قصر کند، او انکار نمی‌شود، و علما در مورد افضل بودن این دو شیوه نیز دچار اختلاف هستند، آن دسته‌ای که در مورد جایز بودن قصر نماز شک دارند، دست به احتیاط گرفته و تمام خواندن نماز را افضل دانسته‌اند، و اما کسانی که سنت برای آنها آشکار شده و دانسته‌اند که پیامبر ﷺ برای شخص مسافر غیر از دو رکعت - قصر کردن - نماز را مشروع ندانسته، و حد سفر را با زمان و مکان خاصی و مدت اقامت را نیز با زمان محدودی، نه ۳، نه ۴، نه ۱۲، نه ۱۵، مشخص نکرده، معتقدند شخص مسافر نمازش را به صورت قصر بخواند، همچنان که اکثر علمای سلف نیز چنین کاری را کرده‌اند. حتی مسروق، او به عنوان حاکم برگزیده شد ولی آن را قبول نکرد، و سال‌ها اقامت گزید و نمازش را قصر می‌کرد، مسلمانان در نهان ۶ ماه اقامت گزیدند و نمازشان را به صورت قصر می‌خواندند، آنها نمازشان را قصر می‌کردند با وجود اینکه می‌دانستند کارشان در ۴ روز یا بیشتر تمام نمی‌شود، همچنان که پیامبر ﷺ و یارانش بعد از فتح مکه نزدیک ۲۰ روز در آنجا ماندند و نمازشان را قصر می‌کردند، و صحابه در مکه بیشتر از ۱۰ روز ماندند در ماه رمضان روزه نمی‌گرفتند، و پیامبر ﷺ زمانی که فتح مکه را کرد، می‌دانست که او نیاز دارد به اینکه بیشتر از ۴ روز آنجا بماند. پس اگر محدود کردن مسافت سفر از لحاظ زمانی و مکانی هیچ اصلی ندارد شخص مسافر، تا زمانی که در سفر است، می‌تواند نمازهایش را قصر کند، و حتی اگر در جایی ماه‌های پیاپی نیز بماند. والله اعلم».

و از استادمان، امام عبدالعزيز بن عبدالله بن باز رحمته الله شنیدم که در مورد اقامت ۱۹ روزه پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه در سال فتح آن و قصر کردن نمازهایش^(۱)، می فرمود: «و پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر مصالح اسلام و مسلمانان در مکه ماند، و این ماندگاری طوری نبود که از قبل تصمیم بر آن گرفته باشد بلکه به خاطر مصالح مسلمانان بود و وقتی که به مقصودش نایل شد به مدینه بازگشت، چون واضح است که مهاجران بیشتر از سه روز در مکه نمی ماندند، ولی به خاطر محقق ساختن این مصالح ماندند، پس اگر شخص مسافر در جایی ماندگار شد و بر ماندگاری در آن از قبل تصمیم نگرفته بود می تواند، نمازش را به صورت قصر بخواند»^(۲).

و بازی از استادمان شنیدم که در مورد اقامت ۲۰ روزه پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوة تبوک، در آن سرزمین و قصر کردن نمازهایش^(۳) می فرمود: «و مدت ماندگاری پیامبر صلی الله علیه و آله در تبوک، تحت اراده پیامبر صلی الله علیه و آله نبود، بلکه به مدت زمان طول کشیدن جنگ با رومیان بستگی داشت، که برمی گردند یا می ماندند، سپس خداوند اجازه بازگشت به پیامبر صلی الله علیه و آله را داد. و به این داستان و داستان فتح مکه می توان استناد کرد، که در قصر کردن نمازها در مدت زمانی که مدت اقامت مشخص نیست، هر چند که به درازا هم بکشد، اشکالی وجود ندارد، حتی علما گفته اند: اگر شخص سال ها در جایی ماندگار

مجموع الفتاوی، (ج ۲۴ ص ۱۷-۱۸)، (ج ۲۴ ص ۱۴۰) و (ج ۲۴ ص ۱۳۷)، «الأختیارات الفقهیة»، ابن تیمیة ص (۱۱۰)، الشرح الممتع، ابن عثیمین (۵۲۹/۴-۵۳۹)، «الأختیارات الجلیة»، السعدی ص (۶۶).

۱- بخاری (۱۰۸۰) و (۴۲۹۸-۴۲۹۹).

۲- از شیخ بن باز در هنگام شرحش بر بلوغ المرام، حدیث (۴۵۹)، شنیدم، فتح الباری (۵۶۲/۲).

۳- ابوداود (۱۲۳۵) و شیخ البانی در صحیح ابوداود (۳۳۶/۱) آن را صحیح دانسته است.

شود ولی قصد ماندگاری در آن را نکرده باشد، باز به عنوان مسافر محسوب و احکام سفر شاملش می‌شود. و می‌تواند نمازش را به صورت قصر بخواند. و این بهتر است.

اما اگر شخص قصد و نیت اقامت در جایی را داشت، علما در مدت زمان آن دچار اختلاف شده‌اند، که آیا ۲۰ روز یا ۱۹ روز یا ۳ روز یا ۴ روز یا غیره است. و بهترین قول در این باره، مدت ۴ روز است. چون که پیامبر ﷺ در حجه‌الوداع ماندگار شد و وقتی که خواست بیشتر از ۴ روز در آنجا - مکه - بماند نمازش را به صورت تمام می‌خواند. ولی اگر مدت زمان قصد اقامت ۴ روز یا از ۴ روز کمتر بود می‌توان نماز را قصر کرد، چون بر آن نیت شده است. و امام شافعی، مالک، احمد نیز برای این قولند. و با این فتوای امام شافعی، مالک و احمد، دلایل منظم می‌شوند و باعث جلوگیری از تبعیت مردم از هوی و هوسشان در این مورد می‌شود، و این بهتر و مناسب‌تر است. همچنان که جمهور علما هم به ۴ روز فتوا داده‌اند. و بیشتر از ۴ روز مورد اختلاف علما می‌باشد. و اگر مدت اقامت از ۴ روز کمتر باشد مورد اتفاق علما است و داخل اجماع علمای قرار می‌گیرد»^(۱).

و با این شیوه مسلمانان از دایره اختلاف علما بیرون می‌آید و آنچه را که در آن دچار شک می‌شود به‌سوی آنچه که در آن دچار شک نمی‌شود، ترک می‌کند، والله اعلم^(۲).

۱- هنگام شرح استاد بر بلوغ المرام، حدیث (۴۶۱) آن را شنیدم.

۲- مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۷۶/۱۲) و «فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء» (۹۹/۸).

فصل نهم:

کوتاه کردن نماز در منی برای همه حاجیان

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می گوید: «نماز ۴ رکعتی را با پیامبر صلی الله علیه و آله در منی ۲ رکعتی می خواندم و با ابوبکر و عمر نیز - در زمان خلافتشان - در منی نمازهای ۴ رکعتی را دو رکعتی می خواندم و در اوایل خلافت عثمان هم همینطور بود، ولی عثمان بعداً نماز ۴ رکعتی را در منی قصر نمی کرد و آنها را کامل و ۴ رکعتی می خواند»^(۱).

مترجم: «هرچند عبدالله بن مسعود به حضرت عثمان رضی الله عنه اعتراض کرد ولی با وجود این چون قصر نماز واجب نیست، ابن مسعود به حضرت عثمان رضی الله عنه اقتدانمود، چنانکه قصر در منی واجب می بود امام عثمان رضی الله عنه نمازش را کامل نمی خواند و ابن مسعود هم به او اقتدا نمی کرد».

و از عبدالرحمن بن یزید رضی الله عنه روایت است که می گوید: «امام عثمان بن عفان رضی الله عنه در منی برایمان پیش نمازی کرد و نماز را ۴ رکعتی و کامل خواند، این مسئله به عبدالله بن مسعود رضی الله عنه خبر داده شد، برگشت و گفت: نماز ۴ رکعتی را با پیامبر صلی الله علیه و آله در منی ۲ رکعتی می خواندم و با ابوبکر و عمر نیز - در زمان خلافتشان - در منی نمازهای ۴ رکعتی را دو رکعت می خواندم،

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۲)، مسلم (۶۹۴).

چقدر دوست دارم به جای این ۴ رکعت، دو رکعت قبول شده بخوانم»^(۱).

یحیی بن ابواسحاق از انس رضی الله عنه روایت کرده که، انس فرمودند: «همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه به سوی مکه خارج شدیم تا وقتی که به مدینه برگشتیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمازهای ۴ رکعتی را دو رکعت می خواند». گفتم - یحیی بن ابی اسحاق - آیا در مکه اقامت نمودی؟ انس گفت: ده روز در آنجا اقامت نمودیم.

در روایتی دیگر از مسلم این طور آمده: «چقدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه اقامت نموده؟ انس گفت: ده روز».

و در روایتی دیگر از مسلم این طور آمده: «از مدینه به سوی حج خارج شدیم»^(۲).

و این روایت انس با روایت ابن عباس - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۹ روز اقامت گزیدند و نمازهایشان را کوتاه می کردند، و ما نیز اگر سفر می کردیم ۱۹ روز نمازهایمان را کوتاه می کردیم و اگر بیشتر از ۱۹ روز می ماندیم نمازهایمان را تمام می کردیم^(۳) - تعارضی ندارد. چون روایت ابن عباس مربوط به فتح مکه و روایت انس مربوط به حج الوداع است. و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه یارانش صبح روز چهارم ذی الحجه به مکه رسیدند، و بدون شک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش صبح روز ۱۴ ذی الحجه را از مکه خارج شدند و مدت اقامتشان در مکه و نواحی اطراف آن برای انجام مناسک حج ده روز و شب بود. همچنان که انس رضی الله عنه گفته است^(۴). ولی جریان ابن عباس مربوط به فتح مکه بوده که

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۴)، مسلم (۶۹۵).

۲- بخاری (۱۵۸۰).

۳- بخاری (۱۰۸۰).

۴- فتح الباری (۲/۵۶۲-۵۶۳)، شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۱۰/۵).

برایشان مشخص نبود که چند روز در آنجا ماندگار می‌شوند.

از حارثه بن وهب الخزاعی رضی الله عنه روایت است، می‌گوید: «پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله در منی - در حجه الوداع - در حالی که مردم در بیشترین تعدادشان بودند و تا آن روز چنین جمعیتی را نداشتیم، نماز ۴ رکعتی را دو رکعت خواندم»^(۱).
و این قصر کردن نماز در منی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است پس شایسته است به آن عمل و از آن پیروی شود.^(۲)

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۳)، مسلم (۶۹۶).

۲- اما تمام خواندن نماز امام عثمان رضی الله عنه دارای تأویلات زیادی است که امام ابن القیم از این میان شش تأویل را برگزیده که به وسیله‌ی آنها برای امام عثمان رضی الله عنه عذر آورده، یکی از آنها: اعرابی بودند که تازه ایمان آورده در آن سال زیاد شدند و بعضی‌ها می‌گفتند که امام عثمان نمازها را دو رکعتی می‌خواند و به خود امام عثمان گفتند: (ای امیرالمؤمنین از زمانی که تو را حدود یک سال است دیده‌ایم، نمازهایت را ۲ رکعتی می‌خوانی)، امام عثمان رضی الله عنه هم دوست داشت به اعراب یاد دهد که نماز در اصل ۴ رکعتی است. و تأویلات دیگری از این قبیل اما گفته شده که ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها چنین تأویل کرده که قصر نماز رخصت و آسانی است و تمام خواندن نماز برای کسی که بر او سخت نباشد، بهتر است، عروه از پدرش روایت می‌کند که، عایشه رضی الله عنها در سفر نمازش را ۴ رکعتی می‌خواند، به او گفتم: چرا ۲ رکعتی نمی‌خوانی؟ در جواب گفت: ای پسر برادرم، این گونه نماز خواندن - ۴ رکعتی - بر من سخت نیست.

بیهقی در السنن الکبری (۱۴۳/۳)، حافظ ابن حجر در فتح الباری (۵۷۱/۲) و سندش صحیح است.

و برای آگاهی کامل از عذرهای آورده شده برای امام عثمان رضی الله عنه و ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها به خاطر عمل‌شان، نگاه کن به: زادالمعاد، ابن القیم (۴۶۵/۱-۴۷۲)، فتح الباری (۵۷۰/۲-۵۷۱).

فصل دهم:

جایز بودن خواندن نماز سنت بر روی سواری در سفر

خواندن نماز سنت بر روی سواری - شتر، هواپیما، ماشین، کشتی و وسایل نقلیه دیگر - درست است، ولی برای خواندن نماز فرض باید از سواری پیاده شد، مگر ناتوان باشد و عذری داشته باشد؛ بخاطر روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام سفر نماز را در حالی که بر شترش سوار بود می‌خواند و ارکان آن را به صورت اشاره با سرش به جا می‌آورد و فرقی نداشت که شترش رو به قبله باشد یا خیر و شب تنها نمازهای واجب را به حالت سواری نمی‌خواند، و نماز وترش را هم بر روی شترش می‌خواند».

و در روایتی دیگر آمده: «فقط او نمازهای فرض را بر روی شترش نمی‌خواند»^(۱)؛ و بخاطر روایت عامر بن ربیع رضی الله عنه که می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که نمازش را روی شترش به هر طرف که رو می‌کرد، می‌خواند». و در روایتی دیگر آمده: «و رسول خدا صلی الله علیه و آله این کار را - نماز خواندن روی شترش - در نمازهای فرض انجام نمی‌داد». و در روایتی دیگر آمده: «او پیامبر صلی الله علیه و آله را دید که نماز شب را در سفر و روی شترش به هر طرف که رو

۱- متفق علیه، بخاری (۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۸-۱۱۰۵)، مسلم (۷۰۰).

می‌کرد، می‌خواند»^(۱).

و بخاطر روایت جابر رضی الله عنه که می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام سفر نمازش را روی شترش به هر طرف که رو می‌کرد، می‌خواند، و هرگاه می‌خواست نماز فرض بخواند از شترش پیاده می‌شد و رو به قبله می‌کرد»^(۲). و در روایتی دیگر آمده: «او روی شترش رو به مشرق نماز می‌خواند و هر گاه می‌خواست نماز فرض بخواند از شترش پیاده می‌شد و رو به قبله می‌کرد». و در این باره احادیث و روایت زیاد دیگری امثال روایت انس رضی الله عنه وجود دارد^(۳).

مستحب است که در هنگام اقامه نماز سنت - تکبیره الإحرام - رو به قبله کند؛ بخاطر اینکه انس رضی الله عنه روایت کرده که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر سفر می‌کرد و می‌خواست نماز سنت بخواند، با شترش رو به قبله می‌ایستاد و تکبیره الإحرام را می‌گفت، سپس بقیه نماز را رو به هر طرف که شترش می‌رفت، می‌خواند»^(۴).

و اگر شخص مسافر این کار را هم نکند، باز نمازش بر اساس احادیث صحیحی که در این باره آمد صحیح است. و استادمان امام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته الله نیز همین را ترجیح داده است^(۵).

امام نووی رحمته الله می‌گوید: «نماز سنت روی سواری در سفری که نماز در آن قصر شود بر اساس اجماع مسلمانان جایز است»^(۶).

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۹۳-۱۱۰۴)، مسلم (۷۰۱).

۲- بخاری (۴۰۰-۱۰۹۴-۱۰۹۹-۴۱۴۰).

۳- مسلم (۷۰۲).

۴- ابوداود (۱۲۲۵) و حافظ ابن حجر عسقلانی در بلوغ المرام، حدیث (۲۲۸) آن را حسن دانسته است.

۵- از شیخ بن باز هنگام شرح بر بلوغ المرام، حدیث (۲۲۸) شنیدم.

۶- شرح امام نووی بر صحیح مسلم (۲۱۶/۵).

اما در سفری که نماز در آن قصر نشود باز رأی اصح بر جایز بودن خواندن نماز سنت روی سواری دلالت می‌کند و مذهب جمهور علما نیز بر این قرار دارد^(۱).

بخاطر فرموده خداوند:

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۵].

«و مشرق و مغرب برای خدا است، پس به هر کجا رو کنید، روی خداوند آنجاست، حقیقتاً خداوند دارای رحمت فراوان و دانش بی‌پایان است».

امام ابن جریر رحمته این قول را ترجیح داده که در حکم این آیه خواندن نماز سنت بر روی سواری، در حالی که به هر طرف رو کند، داخل می‌شود^(۲). و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته از امام ابن جریر طبری «رح روایت کرده که: طبری این دلیل برای جمهور علما آورده که خداوند تیمم کردن را به عنوان اجازه و آسانی‌ای برای مریض و مسافر، قرار داده و اجماع بر این است که هر کس به فاصله یک مایل یا کمتر از شهر خارج شد و نیت بازگشت به خانه‌اش در شهر و عدم ادامه سفر را داشته باشد و آبی را نیابد، باز تیمم برای او جایز است، پس همچنان که در این فاصله تیمم برای او جایز است پس خواندن نماز سنت بر روی حیوان نیز جایز است، چون در هر دو اینها رخصت و آسانی‌ای مشترک وجود دارد»^(۳).

۱- فتح الباری (۵۷۵/۲)، شرح نووی (۲۱۷/۵)، المغنی، ابن قدامه (۹۶/۲).

۲- جامع البیان عن تأویل آی القرآن (۵۳۰/۳-۵۳۳)، المغنی، ابن قدامه (۹۵/۲-۹۶).

۳- فتح الباری (۵۷۵/۲) و صاحب کتاب المغنی گفته، احکامی که سفرهای کوتاه و طولانی در آن مشترکند سه عددند: تیمم، خوردن گوشت مردار در تنگی، خواندن نماز سنت بر شتر یا وسیله‌ی سفر، و بقیه‌ی رخصت‌های دیگر مربوط به سفرهای طولانی هستند. المغنی، ابن قدامه (۹۶/۲).

فصل یازدهم: سنت است نمازهای رواتب، غیر از نماز

سنت صبح و نماز وتر، در سفر ترک شوند

بخاطر اینکه عاصم بن عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده است: «در راه مکه همراه ابن عمر بودم، که نماز ظهر را برایمان ۲ رکعت خواند، سپس بازگشت و همراه او بازگشتیم تا به محل استراحتمان رسیدیم، نشست و همراه او نشستیم، نگاهی به جایی که آنجا نماز خوانیدم انداخت، و مردم را دید که به نماز ایستاده‌اند، گفت: دارند چه کار می‌کنند؟ گفتم: می‌خواهند نماز سنت بخوانند، گفت: اگر می‌خواستم نماز سنت بخوانم نماز را به صورت قصر نمی‌خواندم و آن را تمام می‌کردم، ای برادرزاده‌ام، من در سفر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و هیچگاه تا زمانی که فوت کرد بر دو رکعت نماز نیفزود، همراه ابوبکر بودم و او نیز بر دو رکعت نماز اضافه نکرد تا فوت کرد، همراه عمر بودم و او را نیز بر دو رکعت نماز اضافه نکرد تا فوت کرد، سپس همراه عثمان بودم و او نیز بر دو رکعت نماز اضافه نکرد تا فوت کرد، و خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^(۱)

«رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما بهترین نمونه و الگو است.»

اما نماز سنت صبح و وتر را پیامبر ﷺ در سفر و در غیر سفر ترک نکرد؛ اما المؤمنین عایشه رضی الله عنها در روایتی که از نماز سنت صبح پیامبر ﷺ نقل می‌کند، می‌فرماید: «پیامبر ﷺ هرگز دو رکعت نماز سنت صبح را ترک نکرد»^(۱).

و به خاطر روایت ابوقتاده رضی الله عنه در مورد خواب ماندن پیامبر ﷺ و یارانش از نماز صبح، در سفر و بیدار شدنشان هنگام طلوع آفتاب، که «سپس بلال اذان نماز را داد، و پیامبر ﷺ دو رکعت نماز سنت صبح را خواند، سپس دو رکعت نماز صبح را خواند و مثل سایر روزها شروع به اعمال روزانه‌اش کرد»^(۲).

اما انجام سنت وتر؛ عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که: «پیامبر ﷺ به هنگام سفر نماز شب را در حالی که بر شترش سوار بود می‌خواند و ارکان آن را به صورت اشاره به جا می‌آورد و فرقی نداشت که شترش رو به قبله باشد یا خیر و تنها نمازهای واجب را بحالت سواری نمی‌خواند، و نماز وترش را بر روی شترش می‌خواند». و در روایتی دیگر آمده: «پیامبر ﷺ نماز وترش را بر شترش می‌خواند»^(۳).

اما ابن القیم رحمه الله می‌گوید «تعهد و محافظت پیامبر ﷺ بر انجام دادن نماز سنت صبح از هر سنت دیگری بیشتر بود و هرگز نماز سنت صبح و نماز وتر را چه در سفر و چه در غیر سفر ترک نمی‌کرد ... و روایت نشده پیامبر ﷺ در سفر نماز سنتی به غیر از نماز سنت صبح خوانده باشد»^(۴).

۱- متفق علیه، بخاری (۱۱۵۹)، مسلم، (۷۲۴).

۲- مسلم (۶۸۱).

۳- متفق علیه، بخاری (۹۹۹-۱۰۰۰)، مسلم (۷۰۰).

۴- زاد المعاد فی هدی خیر العباد (۳۵۱/۱).

اما انجام نمازهای سنت مطلق، مثل: نماز ضحی، نماز تهجد در شب، و نمازهای نافله مطلق و همه نمازهای سببدار، مثل: سنت وضو، سنت طواف، نماز کسوف و خسوف، نماز تحیه المسجد و امثال آنها در سفر و در غیر سفر، جایز و درست است^(۱). امام نووی رحمته الله علیه می گوید:

«علما بر مستحب بودن انجام نمازهای سنت مطلقه در سفر متفقند»^(۲).

۱- مجموع الفتاوی و مقالات امام ابن باز (۳۹۰/۱۱-۳۹۱).

۲- شرح امام نووی بر صحیح مسلم (۲۰۵/۵) و امام نووی می گوید: (در مورد مستحب بودن خواندن نمازهای سنت راتبه علما اختلاف دارند، ابن عمر و عده‌ای دیگر آنها را در سفر مکروه می‌دانند ولی امام شافعی و یاران او و جمهور علما آن را مستحب می‌دانند، و دلیلشان احادیث مطلقه است که در سنت بودن نمازهای رواتب آمده است) شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۰۵/۵)، فتح الباری (۵۷۷/۲).

ابن قدامه گفته: (اما در مورد سایر نمازهای سنت قبل و بعد از نمازهای فرض، احمد می‌گوید: امیدوارم که خواندن نماز سنت رواتب در سفر اشکالی نداشته باشد، از حسن روایت شده که گفته: یاران رسول خدا ﷺ سفر می‌کردند و نمازهای سنت قبل و بعد از نمازهای فرض را می‌خواندند، و از امام عمر، علی، ابن مسعود، جابر، انس، ابن عباس، ابوذر و عده‌ی زیادی از تابعین چنین روایت شده و قول مالک، شافعی، اسحاق، ابو ثور، ابن المنذر همین است، و ابن عمر قبل و بعد از نمازهای فرض، نماز سنت نمی‌خواند، مگر در تاریکی شب، و از سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، علی بن حسین نیز همین عمل نقل شده) ... سپس ابن قدامه در ادامه می‌گوید: (و روایت حسن از اصحاب رسول خدا ﷺ را بیان کردیم (مصنف ابن اَبی شیبیه (۳۸۲/۱) و این دلالت دارد بر اینکه اشکالی در خواندن نمازهای سنت نیست و روایت ابن عمر دلالت می‌کند بر اینکه اشکالی در نخواندن نمازهای سنت نیست، پس بین این احادیث جمع کرده می‌شود. والله اعلم). المغنی (۱۵۵/۳) - (۱۵۷).

می‌گویم - مؤلف کتاب - قول اصح همان قولی است که استادمان امام بن باز رحمته الله علیه آن را ترجیح داده که: مشروع است نمازهای رواتب در سفر ترک شوند، و سنت است

نمازهای راتبه‌ی ظهر، مغرب، عشاء به غیر از صبح و وتر ترک شوند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله نماز راتبه صبح و نماز وتر را ترک نمی‌کرد، بخاطر روایت ابن عمر و امثال او: پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای رواتب را در سفر ترک می‌کرد، اما نمازهای نافله‌ی مطلق و نمازهای سبب‌دار مثل: نماز ضحی، نماز تهجد، سنت وضو، سنت طواف، نماز کسوف و خسوف، تحیة المسجد و امثال اینها، در سفر و غیر سفر خواندنشان سنت است. مجموع الفتاوی، ابن باز (۳۹۰/۱۱-۳۹۱).

فصل دوازدهم: نماز شخص مقیم، پشت سر شخص

مسافر درست است

شخص مقیم باید بعد از سلام دادن شخص مسلمان نمازش را به صورت تمام بخواند، بخاطر ورود آثار، روایات و اجماع علما در این باره^۱، امام ابن قدامه رحمته الله می فرماید: «اجماع اهل علم بر این قرار گرفته، اگر شخص مقیم به شخص مسافری اقتدا کرد و شخص مسافر بعد از انجام دو رکعت سلام داد شخص مقیم باید بلند شود و دو رکعت دیگر نمازش را تمام کند»^۲.

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که، هر گاه به مکه می رفت، برای اهل مکه دو رکعت پیشنمازی می کرد و سپس می گفت: «ای اهل مکه نمازتان را

۱- از عمران رضی الله عنه روایت مرفوعی است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله زمان فتح مکه ۱۸ شب ماندگار شد و امامت مردم را می کرد و به غیر از نماز مغرب، نمازهای دیگر را ۲ رکعت، ۲ رکعت می خواند، سپس می گفت: ای اهل مکه برخیزید و ۲ رکعت بعدی را بخوانید ما در سفر هستیم». لفظ احمد (۴۳۰/۴)، ابوداود (۱۲۲۹). لفظ ابوداود: «ای اهل شهر نماز را ۴ رکعت بخوانید، ما در سفر هستیم» در سندش علی بن زید بن جدعان وجود دارد، ضعیف است. شوکانی می گوید: (ترمذی حدیثش (۵۴۵) را حسن دانسته است). نیل الأوطار (۴۰۲/۲).

۲- المغنی (۱۴۶/۳)، نیل الأوطار، شوکانی (۴۰۳/۲).

تمام کنید، چون ما قومی مسافر هستیم»^۱.

پس از این روایت معلوم می‌شود که، اگر شخص مقیم پشت سر شخص مسافر نمازهای فرض - ظهر، عصر، عشاء - را خواند، لازم است پس از سلام دادن شخص مسافر بلند شوند و دو رکعت دیگرش را تمام کند. اما اگر شخص مقیم نماز فرض را خوانده بود و فقط خواست به خاطر فضیلت نماز جماعت به شخص مسافر اقتدا کند در این حالت می‌تواند مثل شخص مسافر دو رکعت نماز بخواند و سلام دهد، چون به عنوان نماز سنت برایش محسوب می‌شود.^۲

اما اگر شخص مسافر برای عده‌ای مقیم امامت کرد و نمازشان را به طور تمام خواند، در این حالت نماز درست است، ولی شخص مسافر با عمل افضل‌تر - قصر کردن نماز - مخالفت کرده است.^۳

۱- مالک در موطأ به صورت موقوف آورده (۱/۱۴۹)، حدیث (۱۹). شوکانی در نیل الأوطار (۲/۴۰۲) گفته: «و روایت عمر، رجال سندش، از پیشوایان قابل اعتمادند».

۲- مجموع الفتاوی و مقالات متنوعه، ابن باز (۱۲/۲۵۹-۲۶۱).

۳- المغنی، ابن قدامه (۳/۱۴۶)، مجموع الفتاوی، ابن باز (۱۲/۲۶۰). و عثمان رضی الله عنه در سال‌های آخر خلافتش در حج نماز را برای مردم تمام می‌خواند. و از عایشه رضی الله عنها نیز ثابت شده که نمازهایش را در سفر کامل می‌خواند، و می‌گفت: بر او هیچ سختی ندارد پس اشکالی ندارد مسافر نمازش را کامل بخواند. ولی بهتر آن عملی است که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده چون او معلم و قانون‌گذار است. مجموع الفتاوی، ابن باز (۱۲/۲۶۰) و حدیث عثمان در صحیح مسلم (۶۹۴-۶۹۵).

فصل سیزدهم: نماز مسافر، پشت سر شخص مقیم

درست است

و شخص مسافر باید مثل نماز امام نمازش را تمام بخواند، و فرقی نمی‌کند که به تمام نماز یا به رکعتی یا کمتر از آن و یا حتی در تشهد اخیر و قبل از سلام به امام رسیده باشد، باید بعد از سلام دادن امام، نمازش را به صورت کامل بخواند. و این قول، از میان اقوال اهل علم، صحیح‌تر و مناسب‌تر است. به خاطر اینکه همین طور از ابن عباس رضی الله عنه در روایت موسی بن سلمه رضی الله عنه ثابت شده، که می‌گوید: «ما با ابن عباس رضی الله عنه در مکه بودیم، و می‌گفتیم: ما اگر با شما نماز بخوانیم و به شما اقتدا کنیم، نمازمان را ۴ رکعت می‌خوانیم و اگر به سوی جهاز شترمان و بارهایمان برگردیم، نمازمان را ۲ رکعت می‌خوانیم، ابن عباس رضی الله عنه می‌گفت: «این سنت ابوالقاسم - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است»^۱.

۱- مسند احمد (۲۱۶/۱)، شیخ البانی در ارواء الغلیل (۲۱/۳) می‌گوید: «سندش صحیح است و رجالش نیز صحیح است». و همین حدیث را مسلم با این لفظ آورده: «زمانی که در مکه بودی و با جماعت نماز نمی‌خواندی، نمازهایت را چگونه می‌خواندی؟ موسی بن سلمه در جواب گفت: ۲ رکعتی می‌خواندم، سنت ابوالقاسم رضی الله عنه است». مسلم (۶۸۸).

و ابن عمر رضی اللہ عنہما اگر پشت سر امام نماز می‌خواند، نمازش را ۴ رکعت می‌خواند، و اگر تنها بود، نمازش را ۲ رکعت می‌خواند.^۱

امام ابن عبدالبر رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «اجماع جمهور فقها بر این قرار گرفته، اگر مسافر پشت سر افراد مقیم نماز خواند، و در رکعتی به آنها رسید، لازم است که، نمازش را به صورت کامل و ۴ رکعت بخواند»^۲. و در ادامه می‌گوید: «اکثر فقهاء می‌گویند، اگر مسافر پشت سر مقیم و قبل از اسلام او از نماز، تکبیره الاحرام بست نماز مقیم بر او لازم می‌شود و باید نمازش را به صورت کامل بخواند»^۳.

و از جمله آنچه دلالت بر تمام خواندن نماز مسافر، پشت سر مقیم دارد، این فرموده پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم است: «امام برای این است تا از او پیروی شود، و از او سربلندی نشود، هر گاه امام تکبیر گفت، شما هم تکبیر بگویید...»^۴.^۵

۱- مسلم (۶۸۸)، موطأ مالک (۱۴۹/۱-۱۵۰).

۲- التمهید (۳۱۱/۱۶-۳۱۲).

۳- التمهید (۳۱۵/۱۶).

۴- متفق علیه، بخاری (۷۲۲)، مسلم (۴۱۴).

۵- المغنی، ابن قدامه (۳۴۶/۳)، مجموع الفتاوی، ابن باز (۱۵۹/۱۲-۲۶۰)، الشرح الممتع، ابن عثیمین (۵۱۹/۴).

فصل چهاردهم: نیت قصر یا جمع آوردن نماز، هنگام آغاز نماز و پیوستگی بین دو نمازی که با هم جمع می‌شوند

علما بر سر اینکه آیا برای قصر و جمع کردن نماز نیاز به نیت است، اختلاف دارند؟

شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: «جمهور علما، مثل: امام مالک، ابوحنیفه و احمد در یکی از اقوالش، نیت آوردن را لازم ندانسته‌اند، و این هم با نصوص - قرآن و حدیث - همخوانی دارد.

ولی عده‌ای دیگر، مثل: امام شافعی، بسیاری از پیروان امام احمد مثل علامه خرقی و امثال اینها، نیت آوردن را لازم دانسته‌اند.

«و قول اول قول صحیح‌تر و مناسب‌تر است و به هر یک از این اقوال عمل شود، ردی بر آن نیست»^۱.

باز شیخ الإسلام در ادامه می‌فرماید: «قول اول، که سنت پیامبر ﷺ نیز بر آن دلالت دارد صحیح است، پیامبر ﷺ نماز قصر را برای یارانش می‌خواند، ولی قبل از داخل شدن در نماز آنها را آگاه نمی‌کرد، که نماز را قصر می‌کند، و به آنها امر نمی‌کرد^۲، که نیت قصر را بیاورند ... و همچنین اگر نماز به حالت جمع را برای یارانش می‌خواند، قبل از داخل شدن در

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۱۶/۲۴)، المغنی ابن قدامه (۱۱۹/۳).

۲- فتح الباری (۲۴/۲).

نماز، آنها را آگاه نمی‌کرد، که نماز را جمع می‌کند. حتی صحابه تا پیامبر ﷺ نماز اولش را تمام نمی‌کرد، نمی‌دانستند که می‌خواهد بین نمازها را جمع کند، پس از این طریق دانسته می‌شود که جمع کردن نماز نیازی به نیت آوردن برای آن در هنگام شروع نماز اولی، ندارد»^۱.

باز شیخ الإسلام در ادامه می‌فرماید: «پیامبر ﷺ هر گاه نماز را به صورت قصر و جمع برای یارانش می‌خواند به آنها دستور نمی‌داد که نیت قصر و جمع را بیاورند، بلکه پیامبر ﷺ از مدینه به سوی مکه خارج می‌شد و دو رکعت نماز بدون جمع کردن می‌خواند، سپس نماز ظهر را برای یارانش در عرفه می‌خواند، بدون اینکه آنها را آگاه کند، که می‌خواهد بعد از این نماز، نماز عصر را بخواند، سپس نماز عصر را نیز برایشان می‌خواند، در حالی که صحابه هم نیت جمع را نیاورده بودند، و این شیوه جمع التقدیم نام دارد و همچنین اگر پیامبر ﷺ از مدینه خارج نمی‌شد، در ذی‌الحلیفه نماز را برای یارانش دو رکعت می‌خواند در حالی که به آنها نگفته بود که نیت قصر بیاورند»^۲.

استادمان امام عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «... قول راجح این است که، نیت جمع آوردن هنگام آغاز نماز اولی شرط نیست، بلکه جایز است که بعد از تمام شدن از نماز اول، اگر شروط جمع بین نمازها - ترس، باران یا مریض - وجود داشت، نماز بعدی را با آن جمع کرد»^۳.

پس از مجموع این اقوال مشخص شد که نیت قصر و جمع آوردن هنگام

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیہ (۲۱/۲۴)، «الإنصاف مع المقنع و الشرح الكبير» (۱۰۲/۵).

۲- مجموع الفتاوی، ابن تیمیہ (۵۰/۲۴).

۳- مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۹۴/۱۲).

آغاز نماز شرط نیست^۱.

اما پیوستگی و پشت سر هم خواندن دو نمازی که باهم جمع می‌شوند، نزد عده‌ای از علما به شرط گرفته شده، ولی شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته و علامه عبدالرحمن بن ناصر السعدی، پیوستگی و پشت سرهم خواندن را شرط ندانسته‌اند^۲.

استادمان امام عبدالعزيز بن عبدالله بن باز رحمته می‌گوید: «در جمع تقدیم واجب است که بین نمازها پیوستگی و موالاه وجود داشته باشد و اگر فاصله‌ای کوتاه از لحاظ عرفی بین آنها بوجود آمد اشکالی ندارد؛ چون این طور از پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت شده و ایشان نیز فرموده‌اند: «نماز بخوانید همچنان که می‌بینید من نماز خواندم»^۳. اما در جمع التأخیر شرط پیوستگی بین نمازها زیاد مهم نیست، چون نماز دوم در وقت خودش خوانده می‌شود، هر چند که بهتر است که در این شیوه هم، به خاطر اقتدا و الگوپذیری از پیامبر صلی الله علیه و آله، باز شرط پیوستگی بین نمازها مراعات شود. و خداوند، توفیق دهنده است»^۴. والله اعلم^۵.

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۵۰/۲۴)، امام بن باز و ناصر السعدی در «المختارات الجلیة» ص (۶۷) و مرداوی در «الإنصاف مع المقنع و الشرح الكبير» (۶۲/۵) و ابن عثیمین در الشرح الممتع (۵۲۳/۴-۵۲۵-۵۶۶) و «الإختیارات الفقهية»، ابن تیمیه ص (۱۱۳) همین قول را ترجیح داده‌اند.

۲- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۵۱/۲۴-۵۴)، «الإختیارات الفقهية»، ابن تیمیه ص (۱۱۲) «المختارات الجلیة»، السعدی ص (۶۸)، الإنصاف، مرداوی (۱۰۴/۵).

۳- بخاری (۶۳۱).

۴- مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۹۵/۱۲).

۵- علامه ابن عثیمین می‌گوید: «شیخ الإسلام ابن تیمیه این قول را برگزیده که: موالاة و پیوستگی بین دو نمازی که با هم جمع می‌شوند، شرط نیست. و معنای جمع،

مترجم: توضیحی در مورد جمع التقدیم و جمع التأخیر:

جمع التقدیم: یعنی نماز دومی را به وقت اولی بیاوری و همراه نماز اولی بخوانی. مثل: خواندن نماز عصر با نماز ظهر در وقت نماز ظهر، خواندن نماز عشاء با نماز مغرب در وقت نماز مغرب.

جمع التأخیر: یعنی نماز اولی را به وقت نماز دومی بیاوری و همراه نماز دومی بخوانی. مثل: خواندن نماز ظهر با نماز عصر در وقت نماز عصر، خواندن نماز عشاء با نماز مغرب در وقت نماز عشاء.

چسباندن وقت است، یعنی، وقت نماز دوم به وقت نماز اول چسبانده می‌شود به طوری که هر دو وقت به شکل یک وقت درمی‌آیند ... و شیخ الإسلام ابن تیمیه در ادامه دلایلی را از امام احمد روایت کرده که تصدیق گفته خودش را می‌کند دال بر اینکه موالاة و پیوستگی بین نمازهایی که به صورت جمع التقدیم خوانده می‌شوند، شرط نیست، همچنان که موالاة و پیوستگی در جمع التأخیر هم شرط نیست. ولی بهتر آن است که اگر دو نماز با هم متصل نمی‌شوند، پس با هم جمع نشوند، ولی باز نظر شیخ الإسلام قوی‌تر است». «الشرح الممتع» (۵۶۸/۴-۵۶۹) و در این باره سه قول وجود دارد:

۱) موالاة و پیوستگی بین نمازها چه در حالت جمع التقدیم و چه در حالت جمع التأخیر، شرط نمی‌باشد، و این نظر شیخ الإسلام ابن تیمیه است.

۲) موالاة و پیوستگی بین نمازها چه در حالت جمع التقدیم و چه در حالت جمع التأخیر، شرط می‌باشد، چون جمع به معنای چسباندن دو چیز با هم است و این نظر عده‌ای از علما است.

۳) موالاة و پیوستگی بین نمازها در جمع التقدیم شرط است ولی در جمع التأخیر شرط نیست و این قول مشهور در مذهب حنابله می‌باشد. الشرح الممتع، ابن عثیمین (۵۷۸/۴).

فصل پانزدهم: رخصت‌ها و آسانی‌های موجود در سفر

از جمله قواعد شرعی: (المشقة تجلب التيسير)^۱ (مشقت و سختی، باعث ایجاد آسانی می‌شود)، زیرا سفر نیز تکه‌ای از عذاب است؛ بر اساس فرمایش رسول خدا ﷺ: «سفر پاره‌ای از سختی و ناراحتی است، نان و آب و خواب را از انسان دور می‌سازد، هر گاه مسافر کاری را که به خاطر آن سفر کرده است انجام داد، باید با عجله به سوی خانواده‌اش برگردد»^۲. به همین دلیل شارع - خداوند - یک سری رخصت‌ها و آسانی‌ها را در نظر گرفته، تا این طور تصور شود که سفر خالی از هر گونه مشقتی است؛ چون احکام متعلق به دلایل همه‌گیرند، و اگر در بعضی حالت افرادی از این قاعده مستثنی باشند، در این حالت حکم آنها به قاعده عام مرتبط می‌شود و برای هیچ شخصی حکم جداگانه‌ای وجود ندارد، و این هم معنای فرموده فقها رحمهم الله است که می‌فرمایند: «النادر لاحکم له» «چیزی که به ندرت اتفاق می‌افتد دارای حکم جداگانه‌ای نیست»، یعنی قواعد شرعی برای آن نقض نمی‌شود و حکم او از حکم کلی مستثنی نیست، و پیرو حکم کلی می‌باشد، و این اصلی است که واجب است به آن عمل شود. - منظور این است که شارع

۱- ارشاد «أولی البصائر والألباب»، السعدی ص (۱۱۳)، «رسالة القواعد الفقهية» ص (۴۹-۵۰).

۲- بخاری (۱۸۰۴).

یک سری رخصت‌ها را در سفر جایز دانسته که عامه مردم در سفر دچار مشقت و سختی نشوند، هر چند که باز با وجود این رخصت‌ها برای بعضی از افراد نادر، سختی‌هایی باقی می‌ماند - از جمله بزرگترین رخصت‌ها و مهترین آنها از لحاظ نیاز به آنها موارد زیرند:

(۱) قصر - کوتاه کردن - نمازها: برای قصر نماز سببی غیر از سفر وجود ندارد؛^۱ به خاطر مختص بودن قصر نماز به سفر، سفر به قصر اضافه شده و نمازهای چهار رکعتی به دو رکعت کوتاه می‌شوند.

(۲) جمع کردن بین نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء، در یکی از اوقاتشان، و دایره جمع از قصر کردن، وسیع‌تر است، و به همین خاطر برای جمع کردن نمازها سبب‌های دیگری غیر از سفر نیز وجود دارد، مثل: مریض شدن، حائض شدن، بارش باران، وجود گل و لای زیاد، وزیدن باد شدید و سرد و امثال‌ها این گونه مشکلات، و قصر کردن نماز از تمام خواندن آن افضل‌تر است، بلکه حتی تمام خواندن نماز بدون دلیل مکروه است، اما در سفر ترک کردن جمع بین نمازها افضل‌تر است مگر مواردی مثل نیاز شدید به جمع کردن یا شرکت در نماز جماعت، وجود داشته باشد. پس اگر مصلحتی در جمع کردن وجود داشت، جمع بین نمازها جایز است، و گرنه ترک آن بهتر است.

(۳) روزه نگرفتن در رمضان به هنگام مسافرت، از رخصت‌های سفر است.

(۴) خواندن نماز سنت روی شتر یا اسب یا هر نوع وسیله نقلیه‌ای، در جهت حرکت آن.

(۵) جایز بودن خواندن نماز سنت برای شخص مسافری که در حال رفتن با پای پیاده است.

۶) مسح بر خفین، عمامه، روبند و امثال اینها، به مدت سه شبانه‌روز برای مسافر، به دلیل روایت علی بن ابیطالب رضی الله عنه: «پیامبر صلی الله علیه و آله، سه شبانه‌روز برای مسافر و یک شبانه‌روز برای شخص مقیم، مسح بر خفین را جایز دانسته»^۱. اما سفر سبب تیمم کردن، نمی‌باشد، هر چند که نیاز به تیمم کردن در سفر بیشتر از غیر سفر می‌باشد، همچنین خوردن حیوان مردار برای شخص مسافر و مقیم در صورت ضرورت به طور عام جایز است ولی غالب اوقات در سفر بیشتر به آن نیاز پیدا کرده می‌شود.

۷) ترک کردن انجام نماز رواتب در سفر، بدون آنکه کراهتی در این کار باشد. ولی ترک آنها در حالت غیر سفر مکروه است، اما نماز سنت صبح و وتر و نمازهای سنت مطلقه و سبب‌دار در سفر و غیر سفر خوانده می‌شوند.

۸) از رخصت‌ها و آسانی‌های دیگر سفر این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «اگر انسان مریض شود یا به مسافرت رود، و به دلیل مریض یا مسافرتش از انجام یک سری اعمال باز ماند، که در هنگام سالم بودن و مقیم بودنش آنها را انجام می‌داد، باز خیر و ثواب آنها برایش در هنگام مریضی و مسافرت نوشته می‌شود»^۲.

پس اعمالی که در هنگام مقیم بودنش انجام می‌داد: از جمله اعمالی که فقط جزو عبادات فردی و خاص خودش بود یا اعمالی که به دیگران نیز ربط داشت - صدقه دادن، دستگیری فقرا، سلام دادن به مردم و امثال اینها - در هنگام سفر و مریض بودنش نیز پاداش آن اعمال به او می‌رسد، پس چه نعمتی از این نعمت بزرگتر و گرانقدرتر است.

اما سبب نماز خسوف - ماه‌گرفتگی - سفرکردن نیست، ولی در سفر

۱- مسلم (۲۷۶).

۲- بخاری (۲۹۹۶).

بیشتر از سایر حالات دیگر خوانده می‌شود^۱.
 مترجم: چون شخص مسافر در راه بیشتر ماه را هنگام شب می‌بیند و برای
 روشنی راهش از نور آن استفاده می‌کند و به حالات خسوف آن آگاه‌تر است،
 و بیشتر از شخص مقیم، مطلع و نظاره‌گر بر حالات خسوف ماه می‌باشد.

۱- إرشاد أولى البصائر و الألباب، السعدی ص (۱۱۳-۱۱۶)، با تصرف اندک.

فصل شانزدهم: جمع کردن نمازها، انواع و درجات آن

۱) جمع کردن در عرفه: به دلیل روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنه: «آنها بین نماز ظهر و عصر را بر اساس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمع می کردند»^۱. «و ابن عمر رضی الله عنه هر زمان از نمازی با جماعت باز می ماند، با نماز بعدی آن را جمع می کرد و با جماعت می خواند»^۲.

جابر رضی الله عنه در روایتی که از حجه الوداع آورده در قسمتی از آن می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی به وسط صحرای عرفات رسید، خطبه‌ای برای مردم خواند، سپس اذان گفته شد، و نماز اقامه شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر را برای مردم امامت کرد، سپس اقامه شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز عصر را برای مردم امامت کرد و بین این دو نماز چیزی نخواند - یعنی: هر دو نماز را پشت سرهم خواند»^۳.

و دلیل بر اینکه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر را دو رکعت و نماز عصر را دو رکعت خوانده، روایت انس رضی الله عنه است: «با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه به سوی مکه خارج شدیم، و او نمازهایش - نمازهای چهار رکعتی - را دو رکعت، دو رکعت

۱- بخاری (۱۶۶۲).

۲- بخاری (۱۶۶۲).

۳- مسلم (۱۲۱۸).

می‌خواند، تا زمانی که به مدینه برگشتیم». و در روایتی از مسلم آمده: «از مدینه به سوی حج خارج شدیم».^۱

۲) جمع کردن در مزدلفه: جابر رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که از عرفه بازگشت: «به مزدلفه رفت و در آنها نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواند و بین این دو نماز، هیچ نماز سنتی نخواند».^۲

اسامه بن زید رضی الله عنه می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که به مزدلفه آمد، از شترش پایین آمد و وضوی کاملی گرفت، سپس نماز اقامه شد، و نماز مغرب را برای مردم خواند، سپس هر کس شترش را کنار محل اطراقتش، خواباند، سپس نماز عشاء اقامه شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز عشاء را برای مردم خواندن و بین این دو نماز، هیچ نماز سنتی نخواند».^۳

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین نماز مغرب و عشاء را جمع کرد، بگونه‌ای که حتی یک رکعت نماز بین آنها نخواند، و سه رکعت نماز مغرب را و سپس دو رکعت نماز عشاء را خواند».^۴

۳) جمع کردن در سایر سفرها در اثنای سفر در اوقات مختلف: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین نماز ظهر و عصر را اگر در حین سفر و رفتن بود، جمع می‌کرد^۵، و بین نماز مغرب و عشاء را نیز جمع می‌کرد».^۶ از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بین نماز مغرب و

۱- متفق علیه، بخاری (۱۰۸۱)، مسلم (۶۹۳).

۲- ولم یسبح بینهما: نماز نافله‌ای بین آنها نخواند. جامع الأصول، ابن اثیر (۷۲۱/۵).

۳- مسلم (۱۲۱۸).

۴- متفق علیه، بخاری (۱۶۷۲)، مسلم (۱۲۸۰).

۵- مسلم (۱۲۸۸).

۶- إذا كان على ظهر سير: وقتی که در حال رفتن و حرکت بود. فتح الباری (۵۸۰/۲).

۷- بخاری (۱۱۰۷).

عشاء را اگر در سفرش عجله داشت جمع می‌کرد»^۲.

از انس رضی الله عنه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله بین نماز مغرب و عشاء را در سفر جمع می‌کرد»^۳.

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله می‌گوید: «در این باره سه روایت آمده^۴: روایت ابن عمر که مقید به حالتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در سفرش عجله داشت و می‌خواست زود حرکت کند و روایت ابن عباس که مقید به حالتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حین سفر و رفتن و گرماگرم طی طریق بود، و روایت انس که به طور مطلق آمده و خاص سفر است. و مصنف - بخاری - عنوان این باب را به طور مطلق آورده که در آن اشاره به عمل مطلق - کرده؛ چون عمل مقید، جزئی از اجزای عمل مطلق می‌باشد و ظاهراً بخاری، جایز بودن جمع در سفر به طور مطلق را روا دانسته، و در این بین فرقی نیست میان شخصی که در حین سفر و رفتن و گرماگرم طی طریق یا شخصی که در سفرش عجله دارد و می‌خواهد زود حرکت کند یا شخصی که فقط در سفر به سر می‌برد و هیچ کدام از دو حالت قبلی را ندارد»^۵. و اکثر صحابه نیز بر این رأی بوده‌اند^۶ و احادیث صحیح و شفاف نیز بر همین

۱- إذا جد به السير: اگر در سفرش عجله داشت و می‌خواست زود حرکت کند. النهاية فی غریب الحدیث (۱/۲۴۴)، حافظ ابن حجر می‌گوید: «إذا جد به السير: یعنی اگر سفر به او فشار آورده بود و عجله داشت». فتح الباری (۲/۵۸۰).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۱۰۶)، مسلم (۷۰۳).

۳- بخاری (۱۱۰۸).

۴- یعنی بخاری رحمته الله در باب (جمع نمازهای مغرب و عشاء در سفر) این احادیث را آورده است.

۵- فتح الباری (۲/۵۸۰).

۶- علما در مورد جمع بین نمازها در سفر دچار اختلاف هستند و دارای چند قول می‌باشند.

مسئله تأکید می‌کنند.^۱

(الف) جایز بودن جمع بین نمازها در سفر به طور مطلق، بر اساس قول اکثر علما در وقت یکی از نمازها، ظهر و عصر، مغرب و عشاء، و عده زیادی از یاران پیامبر ﷺ و تابعین و فقهایی مثل: ثوری، شافعی، احمد و مالک بر این قولند.

(ب) مذهب ابوحنیفه جمع بین نمازها را در سفر فقط در روز عرفه در عرفه و شب مزدلفه در مزدلفه، جایز می‌دانند.

(ج) و گفته شده که فقط جمع التأخیر در سفر جایز است. و این یکی از روایت‌های نقل شده از امام احمد و قول امام مالک است و این حزم نیز همین را برگزیده. و قول اصح و بهتری که دلایل صحیح و واضح نیز بر آن دلالت می‌کند، قول اول می‌باشد. المغنی، ابن قدامه (۱۲۷/۳)، «الشرح الكبير مع المنع و الإنصاف» (۸۵/۵)، مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۲۲/۲۴)، فتح الباری (۵۸۰/۲)، شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۲۰/۵) و «الإعلام بفوائد عمدة الأحكام»، ابن الملکن (۷۱/۴).

۱- شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته این طور تشخیص داده که انجام هر نمازی در وقت خودش و به صورت قصر در سفر، بهتر از جمع کردن آنها است در صورتی که نیازی بر جمع کردن وجود نداشته باشد، چون اکثر نمازهای پیامبر ﷺ، نمازهایی بودند که ایشان، آنها را در سفر در وقت‌هایشان می‌خواند. و جمع بین نمازها را چند باری انجام داده، اما جمع کردن بین نمازها در عرفه و مزدلفه شیوه‌ای است که علما بر آن اتفاق دارند و به صورت متواتر روایت شده، و سنت می‌باشد. و جمع کردن نمازها مثل قصر کردن آنها نمی‌باشد، چون قصر کردن سنتی مداوم و همیشگی است ولی جمع کردن رخصتی است که پیش می‌آید و اختصاص به مکانی و زمانی دارد که در آنجا عمل به این رخصت مورد نیاز می‌باشد.

مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۱۹/۲۴)، (۲۷-۲۳/۲۴) و باز در ادامه ابن تیمیه رحمته می‌گوید: «هر شخص امی که حالات قصر و جمع کردن نمازها را با هم مساوی بداند و فرقی بین آنها قائل نشود، او شخصی جاهل به سنت رسول خدا ﷺ و گفته‌های علمای مسلمانان می‌باشد». مجموع الفتاوی (۲۷/۲۴) «حاشیة الروض المربع»، ابن قاسم (۳۹۶/۲). و مرداوی در «الإنصاف مع الشرح الكبير» (۸۵/۵) گفته که: در

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه قبل از زوال خورشید از وسط آسمان و رسیدن وقت نماز ظهر شروع به سفر می‌کرد^۱ نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تأخیر می‌انداخت و به هنگام نماز عصر توقف می‌کرد و نماز ظهر و عصر را با هم می‌خواند و هر گاه قبل از حرکت او خورشید از وسط آسمان تجاوز می‌کرد و وقت نماز ظهر می‌رسید، نماز ظهر را می‌خواند و بعداً حرکت می‌کرد»^۲.

و در روایتی از حاکم که در کتاب اربعین آمده که: «پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را با هم می‌خواند سپس حرکت می‌کرد»^۳.

و در روایتی از ابی نعیم در مستخرج مسلم آمده که: «پیامبر صلی الله علیه و آله اگر در سفر بود، و آفتاب زوال - از وسط آسمان تجاوز - می‌کرد، نماز ظهر و عصر را با هم می‌خواند سپس حرکت می‌کرد»^۱.

مذهب حنابله، ترک کردن جمع بین نمازها بهتر و صحیح‌تر می‌باشد. و در قولی دیگر گفته شده: جمع کردن نمازها بهتر است.

و علامه محمدبن صالح العثیمین فرموده‌اند: (قول اصح آن است که به دو دلیل جمع کردن نمازها سنت است اگر سببش وجود داشته باشد؛

دلیل اول: جمع کردن، از رخصت‌ها و آسانی‌های خداوند عز و جل است، و خداوند دوست دارد که به رخصتش عمل شود.

دلیل دوم: در جمع کردن، پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد، چون ایشان در هنگام وجود شرایطی که جمع بین نمازها را مباح می‌کرد، آنها را با هم جمع می‌کرد). الشرح الممتع (۴/۵۴۸).

۱- تریغ الشمس: زاغت الشمس، تزیغ: اگر خورشید از وسط آسمان به سوی غرب زوال پیدا کند، جامع الأصول، ابن اثیر (۵/۷۱۰).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۱۱۱)، (۱۱۱۲).

۳- حافظ ابن حجر در بلوغ المرام، حدیث (۴۶۲) در مورد روایت حاکم در اربعین، گفته: سندش صحیح است. فتح الباری (۲/۵۸۳)، زاد المعاد، ابن القیم (۱/۴۷۷-۴۸۰).

و از استادمان، امام عبدالعزیز بن باز شنیدم که می‌فرمود: «این مسئله اشاره به رعایت زمان رهسپاری - قبل از زوال خورشید یا بعد از زوال آن - دارد و شیوه جمع بین نمازها بستگی به زمان آغاز سفر دارد. اگر آغاز سفر قبل از وقت زوال خورشید باشد، شخص مسافر به صورت جمع التأخیر نمازهایش را می‌خواند و اگر آغاز سفر بعد از وقت زوال باشد شخص مسافر به صورت جمع التقديم نمازهایش را می‌خواند.

و جمع التقديم بهتر و مناسب‌تر است. هر چند که هر دو نوع جمع جایزند، چون در این حالت وقت هر دو نمازی که با هم جمع می‌شوند به عنوان یک وقت واحد محسوب می‌شوند، پس چه در اول وقت و چه در آخر وقت نمازش را بخواند، اشکالی ندارد،

در حالت سفر یا مریضی، وقت نماز ظهر و عصر با هم به عنوان یک وقت واحد حساب می‌شوند. و وقت نماز مغرب و عشاء نیز به عنوان یک وقت واحد محسوب می‌شوند. ولی بهتر و مناسب‌تر آن است که نماز در اول وقتش خوانده شود (جمع التقديم)»^۲.

و دلیل بر درست بودن جمع التقديم روایت معاذبن حنبل رضی الله عنه است که «با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای جنگ تبوک از مدینه خارج شدیم، و او نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشاء را با هم خواند»^۳.

۱- حافظ ابن حجر در بلوغ المرام به او نسبت داده، و صنعانی در سبل اسلام (۱۴۴/۳). در مورد روایت مستخرج بر صحیح مسلم گفته: «هیچ حرفی در آن نیست». شیخ البانی در ارواء الغلیل بعد از ذکر طرق حدیث گفته: «و از آنچه گذشته ثابت بودن جمع التقديم از روایت انس از سه طریق مشخص شد». ارواء الغلیل (۳۴/۳)، (۳۲/۳-۳۳).

۲- از استادمان امام ابن باز هنگام شرحش بر بلوغ المرام، حدیث (۴۶۲) شنیدم.

۳- مسلم (۱۰۶).

و در روایتی که ترمذی و ابوداود از معاذ رضی الله عنه آورده‌اند این روایت مجمل قبلی، بهتر شرح داده می‌شود: «پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی در جنگ تبوک به سر می‌برد، هر گاه قبل از زوال خورشید حرکت می‌کرد، نماز ظهر را به تأخیر می‌انداخت تا با نماز عصر جمع کند و آنها را باهم می‌خواند، و هر گاه بعد از زوال خورشید می‌خواست حرکت کند، عجله می‌کرد در نماز عصر و آن را به نماز ظهر می‌آورد و آنها را باهم می‌خواند، سپس حرکت می‌کرد و اگر قبل از مغرب حرکت می‌کرد، نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا با نماز عشاء می‌خواند و اگر بعد از نماز مغرب می‌خواست حرکت کند، در نماز عشاء عجله می‌کرد و آن را با نماز مغرب می‌خواند، سپس حرکت می‌کرد»^۱.

۴) نمازها در سفر به سه شیوه جمع می‌شوند:^۲

نوع اول: اگر شخص مسافر در وقت نماز اولی در حال حرکت است، در وقت نماز دومی توقف می‌کند، نمازهایش را به صورت جمع التأخیر، در وقت نماز دوم می‌خواند^۳. و این نوع جمع، شیوه‌ای است که در صحیح بخاری و

۱- ترمذی (۵۵۳)، ابوداود (۱۲۰۸-۱۱۲۰) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۳۸/۳) حدیث (۵۷۸) و صحیح سنن ترمذی (۳۰۷/۱) و صحیح سنن ابوداود (۳۰۳/۱) آن را صحیح دانسته است.

۲- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۶۳/۲۴).

۳- شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: «جمع کردن نمازها در وقت مشترک آنها جایز است، گاهی در اول وقت جمع کرده می‌شوند، مثل جمع کردن بین نمازها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفه، و گاهی در وقت دوم جمع کرده می‌شوند، مثل جمع کردن بین نمازها پیامبر صلی الله علیه و آله در مزدلفه، و بعضی از سفرش‌هایش و گاهی در وسط دو وقت یا در آخر وقت اول، یا در اول وقت دوم، و در سایر زمان‌های دیگر جمع کرده می‌شوند. و همه این اشکال جایزند چون اصل در این مسئله وقت است که وقت هر دو نماز به خاطر ضرورت و نیاز به عنوان یک وقت مشترک محسوب می‌شوند. و جمع

مسلم از روایت‌های انس و ابن عمر - همچنان که گذشت - ثابت است. و این شبیه جمع کردن در مزدلفه است.

نوع دوم: اگر شخص مسافر در وقت نماز اول توقف کرده بود و در وقت نماز دوم می‌خواست حرکت کند، او نمازهایش را به صورت جمع تقدیم در وقت نماز اول می‌خواند. و این شبیه جمع کردن در عرفه است.

و این نوع جمع، از طریق روایت انس رضی الله عنه که حاکم در مسند و ابی‌نعیم در مستخرج مسلم، آن را آورده‌اند و همچنین از طریق روایت معاذ رضی الله عنه که در سنن ترمذی و ابوداود آمده است، ثابت شده است. - همچنان که گذشت -

نوع سوم: اگر شخص مسافر در وقت نماز توقف کرده بود و در حال حرکت نبود، مشهورترین شیوه‌ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این باره آمده این است که، بین نمازها را جمع نمی‌کرد و هر نمازی را در زمان خودش و به صورت قصر می‌خواند، همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منی و در اکثر سفرهایش این کار را می‌کرد، ولی گاهی با وجود توقف بین نمازها را جمع می‌کرد، همچنان که در روایتی از معاذ رضی الله عنه آمده است که: «آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای جنگ تبوک خارج شدند، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء را باهم جمع کرد، و روزی نماز را به تأخیر انداخت، سپس از چادرش خارج شد و نماز ظهر و عصر را - به صورت جمع التأخیر - باهم خواند، سپس داخل

کردن نمازها در اول یا وسط یا آخر وقت، بسته به نیاز و مصلحت شخص نمازگزار می‌باشد، و در عرفه و امثال آن جمع تقدیم سنت است و همچنین در جمع کردن به خاطر بارش باران، سنت است که در وقت مغرب، بین نماز مغرب و عشاء جمع شود. حتی در مذهب امام احمد بر این اختلاف است که آیا جمع کردن به خاطر باران، در وقت دوم (جمع التأخیر) جایز است؟». مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۵۶/۲۴).

چادرش شد، سپس از چادرش خارج شد و نماز مغرب و عشاء را باهم خواند»^۱.
 شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «از ظاهر روایت چنین مشخص است که او در داخل چادری در سفر اطراق می‌کرد، و نماز ظهر را به تأخیر انداخته سپس خارج شده و نماز ظهر و عصر را باهم خوانده، سپس به داخل چادرش رفته، سپس خارج شده و نماز مغرب و عشاء را باهم خوانده.
 داخل و خارج شدن برای خانه و منزل به کار می‌رود، اما برای شخص مسافر، داخل و خارج شد به کار نمی‌رود، بلکه توقف کرد و حرکت کرد به کار می‌رود.

و این روایت اشاره به این دارد که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گاهی در سفر بین نمازها را جمع می‌کرد و گاهی جمع نمی‌کرده و این حالت - جمع نکردن - در اکثر سفرهایش نمایان بوده و مشخص می‌شود که جمع کردن بین نمازها در سفر، مثل قصر کردن نمازها، سنت نیست، بلکه در صورت نیاز چه در سفر یا غیر سفر بین آنها جمع می‌شود. و پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گاهی در غیر سفر نیز برای اینکه امتش دچار سختی نشوند، بین نمازها را جمع می‌کرد پس شخص مسافر اگر نیاز به جمع کردن داشت، نمازهایش را جمع می‌کند، و فرقی نمی‌کند که در وقت دوم یا اول نماز در حال حرکت باشد یا توقف کردن برایش سخت باشد. یا با وجود توقفش نیازهای دیگر داشته باشد، مثل: نیاز به خواب یا استراحت در وقت نماز ظهر یا وقت نماز عشاء، در وقت نماز ظهر در حالی که خسته، خواب‌آلود و گرسنه است و نیاز به استراحت و غذا و خواب دارد، نماز ظهر را تا وقت نماز عصر به تأخیر می‌اندازد، یا چون می‌خواهد سر شب زود بخوابد تا نصفه‌های شب که هوا خنک است بیدار شود و

۱- نسائی (۵۸۷)، ابوداود (۱۲۰۶)، موطأ مالک (۱۴۳/۱-۱۴۴) و شیخ البانی در صحیح سنن ابوداود (۳۰۳/۱) و صحیح سنن نسائی (۱۹۶/۱) آن را صحیح دانسته است.

به سفرش ادامه دهد، نماز عشاء را به جلو می‌اندازد و در وقت نماز مغرب می‌خواند. و با این اوضاع برای چنین شخصی جمع بین نمازها جایز است. اما کسی که چندین روز پشت سرهم در روستا یا شهری اطراق کرده، مثل اهل آن شهر محسوب می‌شود: پس این شخص چون مسافر است می‌تواند نمازش را قصر کند، اما نباید آنها را جمع کند»^۱.

و روایت ابو جحیفه رضی الله عنه را می‌توان به عنوان دلیل برای این مواردی که بیان شد، بیاوریم: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، منطقه بطحاء در حجه‌الوداع، در چادر قرمزی از جنس پوست اطراق کرده بوده، ابوجحیفه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، ابوجحیفه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در گرمای سوزان وسط روز در حالی که ازار و ردای قرمز رنگ پوشیده بود از چادرش خارج شد، و وضو گرفت و بلال اذان گفت، سپس عصایی را که سر آهنی داشت برای او در زمین فرو بردم - به عنوان ستره - پیامبر صلی الله علیه و آله جلو رفت و نماز ظهر را در بطحاء برایشان دو رکعت خواند و عصر را نیز دو رکعت خواند...»^۲. بطحاء: مکان معروفی در نزدیکی مکه است.

امام نووی رحمته الله می‌گوید: «در این روایت دلیلی بر قصر و جمع کردن در سفر وجود دارد، و دلیلی است بر اینکه بهتر و مناسب‌تر آن است، کسی که می‌خواهد جمع کند، به گونه‌ای باشد که در وقت نماز اول توقف کرده و نماز دوم را به وقت نماز اول بیاورد و به صورت جمع التقدیم بخواند، اما

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۶۴۲/۶۵-۶۵)، اما شاگردش ابن القیم، به جمع کردن نمازها هنگام نزول باران، معتقد نیست. زاد المعاد فی هدی خیر العباد (۴۸۱/۱)، اما استادمان بن باز، معتقد است که جمع کردن نمازها هنگام نزول باران برای مسافر اشکالی ندارد. ولی ترک آن بهتر است. مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۹۷/۱۳).

۲- متفق علیه، بخاری (۱۸۷)، مسلم (۵۰۳).

کسی که در وقت اول در حال حرکت است، بهتر است که نماز اول را به وقت نماز دوم به تأخیر اندازد»^۱ والله اعلم^۲.

۵) جمع کردن برای مریضی که در صورت ترک آن دچار سختی و ناتوانی شود، جایز است: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در

۱- شرح نووی بر صحیح مسلم (۴/۴۶۸).

۲- علامه محمدبن صالح العثیمین رحمته الله، اختلاف علما در مسأله جمع کردن نمازها توسط مسافر در هنگام حرکت و اقامت کردن را بیان کرده و می‌گوید:

أ) بعضی از علما می‌گویند: جمع کردن برای مسافر فقط هنگامی که مسافر در حال سفر و حرکت است جایز است نه وقتی که در مکانی اقامت گزیده، و دلایلشان را آورده‌اند.
ب) و دسته‌ای دیگر می‌گویند: جمع کردن برای مسافر فقط هنگامی که مسافر چه در حال سفر و حرکت باشد و چه در حال اقامت گزیدن در مکانی، جایز است و به دلایل زیر استدلال کرده‌اند:

۱) پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه تبوک در حال که در آنجا اقامت گزیده بود، جمع کرد.
۲) از ظاهر روایت ابی جحیفه رضی الله عنه که در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده، چنین استنباط می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در **حجّة الوداع** اقامت گزید و نماز ظهر را دو رکعت و نماز عصر را دو رکعت خواند.

۳) قاعده کلی موجود در روایت ابن عباس: «پیامبر صلی الله علیه و آله بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را در مدینه بدون وجود ترس یا سفر، جمع می‌کرد».

۴) پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی جمع کردن بین نمازها به خاطر بارش باران را جایز دانسته پس جایز بودن جمع بین نمازها در سفر به طریق اولی درست است.

۵) اداء کردن نمازها در اوقاتشان و جمع نکردنشان برای مسافر به دلیل سختی، یا کمی آب یا مسائل دیگر، سخت و طاقت‌فرسا می‌باشد.

ابن عثیمین رحمته الله در ادامه می‌گوید: «قول اصح آن است که جمع کردن برای مسافر جایز است، ولی برای مسافری که در حال حرکت است جایز و مستحب است، و برای مسافری که در مکانی اقامت گزیده جایز و غیر مستحب است. و جمع کردن نمازها اشکالی ندارد ولی ترک آن بهتر و درست‌تر است». الشرح الممتع (۴/۵۵۰-۵۵۳).

مدینه، بین نماز ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشاء را جمع می‌کرد، بدون آنکه ترس یا بارانی باشد» و در روایتی دیگر آمده: «رسول خدا ﷺ نماز ظهر و عصر، نماز مغرب و عشاء را بدون اینکه ترسی موجود یا در سفری باشد، جمع کرد». از ابن عباس رضی الله عنه سؤال شد که پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه این کار را کرد؟ ابن عباس گفت: «خواست که امتش دچار سختی نشوند». و در روایتی دیگر آمده: «خواست، هیچ یک از افراد امتش دچار سختی نشوند»^۱.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که: «در مدینه، هشت رکعت نماز را باهم - نماز ظهر و عصر - و هفت رکعت نماز را باهم - مغرب و عشاء - به امامت رسول خدا ﷺ خواندم»^۲.

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله می‌گوید: «نهایتاً ممکن است که این جمع کردن مذکور: بخاطر وجود ترس یا سفری یا بارانی باشد. و بعضی از علما این جمع کردن مورد اشاره را برای شخص مریض نیز جایز دانسته‌اند».

امام نووی رحمته الله می‌گوید: «بعضی از علما می‌گویند: این روایت بر جمع کردن نمازها، به خاطر مریضی یا عذرهای امثال آن حمل می‌شود ... و از تأویل ظاهر حدیث نیز چنین مشخص است، و عمل ابن عباس رضی الله عنه و موافقت ابوهیره رضی الله عنه با او نیز بر همین مسئله دلالت دارد. و بخاطر اینکه سختی و ناراحتی‌ای که از خواندن نمازها در حالت مریضی دچار انسان می‌شود از حالتی که باران می‌بارد بیشتر و شدیدتر است»^۳.

و استادمان امام عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز رحمته الله می‌گوید: «راه درست و

۱- مسلم (۷۰۵).

۲- متفق علیه، بخاری (۵۴۳)، (۱۱۷۴)، مسلم (۷۰۵).

۳- شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۲۵/۵-۲۲۶)، «الإعلام بفوائد عمدة الأحكام»، امام عمر بن علی معروف به ابن الملقنی (۸۰/۴).

پسندیده این است که حدیث مذکور، این طور معنا شود که پیامبر ﷺ بین نمازها را جمع کرد بخاطر سختی و ناراحتی‌ای که در آن روز دچارش شده بود: یا دچار مریضی شدیدی شده بود یا هوا خیلی سرد بود یا گل و لای زیاد وجود داشت و امثال اینها و سخن ابن عباس رضی الله عنه نیز زمانی که از او درباره این جمع کردن، سؤال شد بر همین مسئله - وجود مشقت - دلالت می‌کند: (برای اینکه امت دچار سختی شوند). و این جوابی بزرگ، درست و شفاف‌دهنده‌ای است، والله اعلم»^۱.

و ثابت شده که پیامبر ﷺ بر حمنه دختر جحش زمانی که دچار حیض شد، دستور داد نماز ظهر را به تأخیر و نماز عصر را به جلو بیاندازد، و نماز مغرب را به تأخیر و نماز عشاء را به جلو بیاندازد^۲. و این نوع جمع کردن، جمع صوری نامیده می‌شود^۳.

مترجم: جمع صوری، جمعیهست که در آن نماز ظهر در آخر وقتش و نماز عصر در اول وقتش خوانده شود. و یا نماز مغرب در آخر وقتش و نماز عشاء در اول وقتش خوانده شود. که در این حالت شخص نمازگذار، مثل حالت جمع، نمازها را با هم در یک وقت جمع نمی‌کند. بلکه هر نماز را در وقت خودش و نیز به وقت نماز بعدی می‌خواند.

۱- تعلیق امام بن باز بر فتح الباری (۲۴/۲).

۲- ابوداود (۲۸۷)، ترمذی (۱۲۸) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۱۸۸) آن را حسن دانسته است.

۳- ابن قدامه رحمته الله می‌گوید: «از ابو عبدالله روایت شده که در مورد روایت ابن عباس گفته: «این در نزد من برای مریض و زن شیردهنده رخصت و جایز است». و ابن قدامه در ادامه می‌گوید: «و همچنین جمع بین نمازها برای زنی که دچار حیض است و کسی که ادراش روان است و امثال او، جایز است». ابن المغنی، ابن قدامه (۱۳۵/۳-۱۳۶)، «الشرح الكبير مع المقنع و الإنصاف» (۹۰/۵).

و مرضی که در آن جمع کردن بین نمازها جایز است، مرضی است که آن شخص مریض اگر هر نمازی را در سر وقتش بخواند، دچار سختی و ناراحتی و ناتوانی می‌شود. و شخص مریض در انجام نمازها به شیوه جمع تقدیم یا جمع التأخیر مختار است و آنگونه که برایش آسان است آن را انجام می‌دهد. ولی اگر هر دو حالت، جمع تقدیم یا جمع التأخیر بر ایشان یکسان بود، در این حالت جمع التأخیر بهتر و درست‌تر است^۱، والله اعلم^۲.

۶) جمع نمازها هنگام باریدن بارانی که مردم را دچار سختی و ناراحتی کند: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را بدون وجود ترسی یا بارانی جمع کرد». و در روایتی دیگر آمده: «بدون وجود ترسی یا سفری». از ابن عباس رضی الله عنه سؤال شد، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کاری کرد؟ ابن عباس گفت: «برای اینکه امتش دچار سختی نشود»^۳.

شیخ المجد ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: «سیاق کلام و مضمون این روایت بر جمع کردن بین نمازها در حالت، باریدن باران، وجود ترس و مریضی، دلالت

۱- المغنی، ابن قدامه (۳/۱۳۵-۱۳۶)، و «الشرح الكبير مع المنع و الإنصاف» (۵/۹۰) و الکافی، ابن قدامه (۱/۴۶۰) و مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۱/۲۳۳)، (۲۲/۲۹۲)، (۲۴/۱۴-۲۹).

۲- شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: «... به همین خاطر مذهب امام احمد و غیر او مثل طائفه‌ای از یاران مالک و غیر او بر این قولند که: جمع بین نمازها برای شخص اگر در سختی و ناراحتی افتد، جایز است. و مریض نیز بین نمازها را جمع می‌کند، و این قول، مذهب مالک و عده‌ای از یاران شافعی می‌باشد...» مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۱/۴۳۳)، حاشیه ابن قاسم بر الروض المربع (۲/۳۹۸-۴۰۰)، التمهید، ابن عبدالبر (۱۲/۲۱۱-۲۱۴).

۳- مسلم (۷۰۵).

دارد. و به خاطر اجماع علما و زمان‌ها مشخص برای هر نماز، با معنای ظاهری این روایت یعنی، جمع کردن بین نمازها بدون عذر مخالفت کرده می‌شود و سیاق کلام بر شرایط و لوازم جمع کردن باقی می‌ماند. و روایت مربوط به جایز بودن جمع نمازها برای شخص حائض درست است چون دچار حیض شدن هم نوعی مریضی است»^۱.

علامه محقق شیخ محمد ناصرالدین الالبانی رحمته الله در مورد این روایت ابن عباس رضی الله عنهما - بدون وجود ترسی یا باریدن بارانی - می‌فرماید: «از این روایت مشخص می‌شود که، جمع نمازها در هنگام باریدن باران در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله امری آشکار بوده، و اگر این چنین نباشد، هیچ فائده‌ای در نفی وجود باران سببی واضح برای جمع کردن نمازها نمی‌ماند. در این مسئله تأمل کن»^۲.

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله در مورد این سخن ابن عباس (بدون وجود ترسی یا بارانی یا سفری) می‌فرماید: «و جمعی که ابن عباس ذکر کرده نه بخاطر وجود ترس و نه باران و نه سفر، بوده، و به همین خاطر امام احمد از این قول چنین استدلال کرده که جمع نمازها در این حالات، اولاتر و صحیح‌تر است. این سخن ابن عباس اشاره به این دارد که جمع کردن بین نمازها در هنگام وجود این موارد - ترس، باران و سفر - اولاتر است. و این روایت ابن عباس از باب آگاهی نسبت به این عمل است که اگر جمع کردن بین نمازها باعث از بین رفتن سختی و ناراحتی‌ای می‌شود که بدون وجود ترس، باران و سفر دچار انسان شده، پس سختی و ناراحتی‌های حاصل از وجود ترس، باران و سفر، به از بین بردن به وسیله جمع بین نمازها اولاترند»^۳.

۱- المنتقی من أخبار المصطفی (۴/۲).

۲- ارواء الغلیل (۴۰/۳).

۳- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۷۶/۲۴).

و دربارهٔ جمع بین نمازها به خاطر باران روایاتی از صحابه و تابعین نقل شده^۱. نافع از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند، «زمانی که امیران قوم به خاطر وجود باران نماز مغرب و عشاء را باهم جمع می‌کردند، ابن عمر نیز با آنها جمع می‌کرد»^۲.

از هشام بن عروه روایت است که: «زمانی که امیران قوم در شب‌های بارانی نماز مغرب و عشاء را باهم جمع می‌کردند، پدرش، عروه، سعید بن مسیب، ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام بن مغیره مخزومی، نیز نماز مغرب و عشاء را باهم جمع می‌کردند و این عمل امیران را رد نمی‌کردند»^۳.

از موسی بن عقبه روایت است که: «عمر بن عبدالعزیز زمانی که باران می‌بارید نماز مغرب و عشاء را باهم جمع می‌کرد، و سعید بن مسیب و عروه بن زبیر، ابوبکر بن عبدالرحمن و جماعتی از علمای آن زمان نیز با عمر بن عبدالعزیز نماز می‌خواند و این عمل را رد نمی‌کردند»^۴.

شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمته الله می‌گوید: «این روایات اشاره دارند به اینکه جمع بین نمازها به خاطر وجود باران از جمله اموری بود که در مدینه در زمان صحابه و تابعین، رواج فراوانی داشته، و هیچ روایتی دال بر اینکه یکی از صحابه یا تابعین این عمل را انکار کرده باشد نقل نشده، بلکه روایت نقل

۱- المغنی، ابن قدامه (۱۳۲/۳).

۲- موطأ مالک (۱۴۵/۱) و بیهقی (۱۶۸/۳) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۴۱/۳)، حدیث (۵۸۳) آن را صحیح دانسته است.

۳- بیهقی در السنن الکبری (۱۶۸/۳) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۴۰/۳) سندش را صحیح دانسته است.

۴- بیهقی در السنن الکبری (۱۶۸/۳) و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۴۰/۳) سندش را صحیح دانسته است.

شده از آنها بر جایز بودن این عمل دلالت دارد.

و همچنین این آثار روایت شده اشاره به این ندارند که پیامبر ﷺ فقط در هنگام وجود باران نمازها را باهم جمع کرده، بلکه ایشان حتی به خاطر وجود سبب‌هایی غیر بارش باران هم بین نمازها را جمع کرده، ایشان بین نمازها را با وجود نبود ترس یا بارانی باهم جمع کرده، همچنان که ایشان در سفر بین نمازها را جمع کرده، و همچنین در مدینه بدون وجود ترس یا سفری نمازهایش را جمع کرده، پس سخن ابن عباس - بدون وجود ترس یا بارانی یا سفری - به معنای نفی جمع بین نمازها در هنگام وجود چنین اسبابی نیست، بلکه اثبات جایز بودن جمع بین نمازها در چنین حالاتی است، چون پیامبر ﷺ بدون وجود چنین حالاتی باز بین نمازها را جمع کرده، پس معلوم می‌شود که در هنگام وجود چنین حالاتی به طریق اولی بین نمازها جمع کرده می‌شود^۱ «والله اعلم^۲».

امام ابن قدامه مقدسی رحمته الله می‌گوید: «بارانی که با وجود آن جمع بین نمازها جایز است، بارانی است که لباس‌ها را خیس کند و خارج شدن در آن با سختی و ناراحتی همراه باشد. اما وجود مه یا باران خفیفی - نم نم باران - که لباس‌ها را خیس نکند، باعث جمع بین نمازها نمی‌شود. و حکم برف نیز

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۸۳/۲۴).

۲- بعضی از فقهاء از ابن عمر روایت کرده‌اند، که پیامبر ﷺ بین نماز مغرب و عشاء را در شبی بارانی جمع کرده است. گفتند: نجاد با سند آن را روایت کرده و شیخ البانی در ارواء الغلیل (۳۹/۳) گفته، سندش جداً ضعیف است. الضیاء المقدسی روایت کرده است. اما نجاد، کسی که حدیث به او نسبت داده شده دارای مسند و کتابی بزرگ در سنن است، و شیخ البانی فقط بر اجزایی کم از احادیثش دسترسی پیدا کرده و حدیث را در آن اجزاء نیافته و ممکن است در اجزاء گم شده آن کتاب باشد. ارواء الغلیل (۴۰/۳).

مثل باران شدید است، چون در معنا و مفهوم آن گنجانده می‌شود. سرما نیز چنین است»^۱.

و در هنگام جمع کردن نمازها به خاطر باران یا امثال آن بهتر است که به صورت جمع التقدیم باشد، چون علمای سلف در وقت نماز اول، بین نمازها را جمع می‌کردند، و این حالت نیز برای مردم آسان‌تر است، چون اگر جمع کردن جایز شد، دو وقت نمازها به عنوان یک وقت محسوب می‌شوند.^۲

۷) جمع نمازها به خاطر وجود گل و لای^۳ و وزش باد شدید سرد: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که، «به مؤذنش در روزی بارانی گفت: «وقتی اشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمد رسول الله ﷺ را گفتی، حی علی الصلاة نگو»: بلکه بگو: «صلوا في بيوتكم» در خانه‌هایتان نماز بخوانید، مردم کمی این کار را ناپسند شمردند. ابن عباس گفت: از این کار تعجب می‌کنید؟ در حالی که شخصی که از من بهتر است این کار را کرده - منظور پیامبر ﷺ است - نماز جمعه واجب است^۴ و من ناپسند دانستم که شما را در سختی بیندازم تا در این گل و لای و خیزی زمین به مسجد بیایید». و در روایتی دیگر آمده: «مؤذن ابن عباس در روز جمعه روزی بارانی، اذان

۱- المغنی، ابن قدامه (۱۳۳/۳).

۲- المغنی، ابن قدامه (۱۳۶/۳)، المجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۲۳۰/۲۵)، (۵۶/۲۴)، الشرح الممتع، ابن عثیمین (۵۶۳/۴).

۳- الوحل: خاک دارای لایه نازکی است که با رطوبت آغشته شده باشد، زمین لیز، گل و لای، لغزش، لیز، گل، همه به یک معنا هستند. گفته شده که، وحل، بارانی است که روی زمین را خیس کرده باشد. شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۱۵/۵)، حاشیة الروض المرعب، ابن قاسم (۴۱۳/۲).

۴- الجمعة عزمة: جمعه واجب حتمی، شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۴۴/۵).

داد ... و ابن عباس گفت: ناپسند دانستم که شما در گل و لای و خیسی زمین راه روید^۱»^۲.

امام نووی می‌گوید: «این روایت دلیلی است بر تخفیف امر نماز جماعت در روزهای بارانی و عذرهایی امثال آن و اگر عذری وجود نداشته باشد امر به نماز جماعت مورد تأکید می‌باشد، و هر کس هم زحمت آمدن به نماز جماعت و سختی و ناراحتی آمدنش را تحمل می‌کند، برایش جایز است، بخاطر این روایت که در آن گفته شده: (تا هر کس می‌خواهد در خانه‌اش نماز بخواند)»^۳.

و ترک نماز جماعت در سفر نیز جایز است.

«این روایت دلیلی است بر ساقط شدن وجوب نماز جمعه در هنگام وجود باران و عذرهایی امثال آن»^۴.

امام ابن قدامه رحمته الله می‌گوید: «اما گل و لای و خیسی زمین، قاضی عیاض گفته: علمای مذهب ما گفته‌اند که آن به عنوان عذر محسوب می‌گردد.

۱- مسلم (۶۹۹).

۲- خلاصه مطلب: جمع بین نمازها در حالات زیر جایز است:

(۱) در سفر همراه قصر کردن آنها (۲) شخص مریضی که با ترک کردن جمع نمازها دچار سختی و ناراحتی شود و زنی که دچار حیض شده (۳) زن شیردهنده‌ای که شستن لباس‌هایش برای هر نمازی، او را دچار سختی و ناراحتی کند. (۴) در هنگام بارش باران (۵) در هنگام گل و لای شدید (۶) در هنگام وزش باد سرد و شدید (۷) هنگام وجود یکی از عذرهایی که ترک جمعه و جماعت را مباح می‌کنند. الشرح الممتع (۵۵۸/۴)، «الإختیارات الفقهية»، ابن تیمیه ص (۱۱۲). «الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف مع المقنع و الشرح الكبير» (۹۰/۵)، مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۸۴/۳۴)، (۳۱/۲۲-۵۳-۵۴).

۳- مسلم (۶۹۸).

۴- شرح نووی بر صحیح مسلم (۲۱۳/۵-۲۱۶).

چون به سبب گلی شدن کفش‌ها و لباس‌ها مشقت و سختی حاصل می‌شود، همچنان که در هنگام باران مشقت و سختی حاصل می‌شود. و سخن مالک نیز چنین است...»^۱.

ابن قدامه در ادامه می‌گوید: «این سخن، سخنی صحیح است، چون گل و لای لباس‌ها و کفش‌ها را کثیف می‌کند. و انسان در معرض لیز خوردن قرار می‌گیرد و به خاطر بدن و لباسش دچار اذیت می‌شود، و مشقت موجود در این حالت، از مشقت موجود در هنگام خیس شدن بیشتر است. و وجود باران به عنوان عذر در ترک جمعه و جماعت یکسان است، چون مشقت مراعات شده در اسقاط حکم جمعه و جماعت هر دو به یک می‌زنند»^۲.

و همچنین هنگام وجود باد شدید در شب تاریک سردی که انسان‌ها با بیرون آمدن در آن دچار سختی و ناراحتی شوند، جمع بین نمازها جایز است^۳. از شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله سؤال شد، در مورد اینکه، آیا همچنان که جمع کردن بین نماز مغرب و عشاء در هنگام وجود باران جایز است، با وجود سرمای شدید یا باد شدید هم جایز است؟ یا فقط این جمع کردن خاص وجود باران است؟

در جواب فرمودند: «حمد و ستایش برای خدایی که خالق جهانیان است، جمع بین نماز مغرب و عشاء در هنگام وجود باران یا باد شدید یا سرمای شدید یا گل و لای زیاد، جایز است و این صحیح‌ترین قول علما می‌باشد. و ظاهر مذهب امام احمد و مالک و غیر آن دو نیز چنین است، والله اعلم»^۴.

۱- المغنی (۱۳۳/۳).

۲- المغنی (۱۳۳/۳-۱۳۴).

۳- المغنی، ابن قدامه (۱۳۴/۳).

۴- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۲۹/۲۴).

شیخ الإسلام در ادامه فرمودند: «و خواندن این نمازها به صورت جمع در مساجد در چنین شرایطی، بهتر از ترک جمع کردن نماز در خانه‌ها است، چون این عمل بدعت و مخالف سنت می‌باشد. چون سنت بر این است که نمازهای پنجگانه در مساجد و با جماعت خوانده شوند و این کار به اجماع مسلمانان از نماز خواندن در خانه، بهتر و شایسته‌تر است»^۱.

علما در مورد جایز بودن جمع بین نماز ظهر و عصر در حالت مقیم بودن و وجود عذرهایی که جمع بین نمازها را جایز می‌کند، اختلاف نظر دارند. عده‌ای می‌گویند: به غیر از جمع بین نماز مغرب و عشاء جمع دیگری جایز نیست. چون روایاتی که آمده‌اند دلالت بر جمع کردن بین نمازها در شب‌های بارانی دارد.

عده‌ای دیگر می‌گویند: جمع بین نماز ظهر و عصر جایز است، چون روایات وارده جمع کردن نمازها در روزهای بارانی را منع نکرده‌اند، و علت جمع کردن بین نمازها وجود سختی و ناراحتی است، و هر زمان چه در روز یا در شب سختی و ناراحتی دیده شد، جمع بین نمازها جایز است^۲. علامه محمدبن قاسم رحمته می‌گوید: «شکل دیگر را که در آن جمع بین نماز ظهر و عصر مثل جمع بین نماز مغرب و عشاء، جایز است، قاضی عیاض، ابوالخطاب، شیخ و غیر آنها برگزیده‌اند، و وزیر هم از احمد همین را روایت کرده و آن را برگزیده و بر آن قطعیت پیدا کرده، و علمای زیدی آن را جایز دانسته‌اند و مذهب شافعی نیز چنین است»^۳.

۱- مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۳۰/۲۴).

۲- الشرح الممتع، ابن عثیمین (۵۵۸/۴).

۳- حاشیة الروض المربع، ابن قاسم (۴۰۲/۲)، ابن قدامه هر دو قول را در المغنی (۱۳۲/۳) و الکافی (۴۵۹/۱) ذکر کرده است. و «الإنصاف المقنع مع الشرح

الکبیر»، المرادوی (۹۶/۵).

علامه عبدالرحمن بن ناصر السعدی می‌گوید: «و درست آن است که هنگام وجود عذر، جمع بین نمازها جایز است، و در صورت عدم عذر، جایز نیست و فوراً پشت سرهم خواندن و نیت هم نمی‌خواهد»^۱.

استادمان، امام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته می‌گوید: «دایره جمع بین نمازها گسترده است، برای شخص مریض جایز است، همچنین برای مسلمانان هنگام وجود باران یا گل و لای و خیزی زمین، جمع بین نماز مغرب و عشاء یا ظهر و عصر، در مساجدشان جایز است ولی قصر آنها جایز نیست. چون قصر کردن اختصاص به سفر دارد. و توفیق با خداوند است»^۲.

امام بن باز رحمته در ادامه می‌فرماید: «دلیل جمع بین نمازها، وجود عذر می‌باشد، هر زمان عذری وجود داشت جایز است بین نمازهای ظهر و عصر، مغرب و عشاء جمع کرده شوند، به خاطر وجود مریضی، سفر، بارن شدید و صحیح‌ترین فتوای علما نیز بر این قرار گرفته، ولی بعضی از اهل علم جمع بین نماز ظهر و عصر را در سرزمینی که در آن باران می‌بارد یا گل و لای زیادی وجود دارد که به سبب آنها ایجاد سختی و ناراحتی می‌شود، ممنوع دانسته‌اند، در حالی که درست‌تر آن است مثل جمع بین نماز مغرب و عشاء، نماز ظهر و عصر نیز باهم جمع کرده شوند، پس زمانی که، گل و لای شدید یا باران شدیدی که ایجاد سختی و ناراحتی کند، وجود داشته باشد، جمع بین نماز ظهر و عصر، مثل جمع بین نماز مغرب و عشاء به حالت جمع تقدیم هیچ اشکالی ندارد، حال چه در اول وقت یا در وسط وقت خوانده شود»^۳.

۱- المختارات الجلیه، ص (۶۸).

۲- مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۸۹/۲-۲۹۰).

۳- مجموع الفتاوی، ابن باز (۲۹۲/۲).

اما نماز عصر در هیچ حالتی و با وجود هر نوع عذری که باشد، جایز نیست با نماز جمعه جمع بسته شود، چون جمعه، نمازی منفرد و مستقل در شروط، هئیات، ارکان و ثوابش می‌باشد، و آنچه از سنت رسیده، جمع بین نماز ظهر و عصر است، نقل نشده (از پیامبر ﷺ) که ایشان نماز عصر را با نماز جمعه جمع کرده باشند، ولی اگر شخص مسافر روز جمعه، نماز ظهر را بخواند و نماز جمعه را با اهل آن سرزمین نخواند، اشکالی ندارد که در این حالت نماز عصر را با نماز ظهر بخواند، چون جمعه بر مسافر واجب نیست، و پیامبر ﷺ بین نماز ظهر و عصر را در حجه الوداع در روز جمعه، روز عرفه، با یک اذان و دو اقامه، بدون آنکه نماز جمعه را بخواند، جمع کرد.

و هر کس به خاطر وجود عذری نماز عصر را با نماز جمعه جمع کرد، واجب است که دوباره نماز عصر را در وقت خودش بخواند، چون او نماز عصر را در غیر وقتش به گونه‌ای که جمع کردن به آن شیوه جایز نیست، خوانده است. پس جمع بین نماز عصر و نماز جمعه نه در هنگام سفر، نه وجود باران و نه وجود گل و لای و نه در سایر موارد، جایز نیست. و هر کس این کار را کند، باید نماز عصر را دوباره در وقتش بخواند^۱.

وصلی الله وسلم وبارك علی نبینا محمد وعلی آله واصحابه اجمعین

۱- مجموع الفتاوی، ابن باز (۳۰۰/۱۲)، (۳۰۱/۱۲-۳۰۳)، «الشرح المقنع»، ابن عثیمین (۵۷۲/۴).